



طالبان شهر زرنج نیمروز را تصرف کردند، اما در شهر شبرغان جوزجان شکست خوردند

اطلاعات روز: در ادامه حملات تهاجمی گروه طالبان بر مراکز ولایات، این گروه شهر زرنج ولایت نیمروز را تصرف کرده اما در شهر شبرغان...

صفحه ۲

اولین و تنها فضانورد افغان، ۳۳ سال پیش با پیام صلح از فضا به زمین بازگشت



صفحه ۵

مهار کرونا با «اجباری کردن» و آگاهی دهی درباره اهمیت واکسین ممکن است

صفحه ۷

یادداشت روز

مقاومت و بسیج مردمی علیه طالبان؛ امکانی از دل خون و فاجعه

ندای «الله اکبر» هرات به کابل رسید. دیشب مردم کابل با مردم هرات یکصدا شدند و در حمایت از نیروهای امنیتی و ضرورت بسیج مردمی علیه جنگجویان طالبان، فریاد الله اکبر سردادند. ندایی با هدف حمایت از جریان مقاومت مردمی علیه گروه عقل ستیز طالبان که این روزها، خشونت و جنگ را به شهرها و بالاترین حد خود رسانده است. حلقه محاصره در برخی ولایات در حال تنگ شدن است. جنگجویان طالبان اکنون خیز بلندی برای تصرف شهرها برداشته اند. هرات، هلمند، فندهار و ... در آتش توحش دیوانهوار طالبان در حال سوختن است.

به دنبال پیشروی طالبان و ضعف مدیریت جنگ توسط دولت و نیروهای امنیتی، بسیاری از مردم افغانستان با هدف حمایت از نیروهای امنیتی و به دلیل صیانت از جان و ناموس و عزتشان در مقابل طالبان دست به اسلحه بردند. لذا حرکت‌های مردمی شکل گرفت و اکنون این نیروها بخشی از قاعده جنگ را تشکیل می‌دهند...

۲

دواخان مینه‌پال، رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت در کابل ترور شد

میرویس استانکزی، سخن‌گوی وزارت داخله تأیید کرده است که دواخان مینه‌پال، رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت در کابل ترور شده است. این رویداد ظهر دیروز (جمعه، ۱۵ اسد) در مربوطات ناحیه‌ی هفتم شهر کابل رخ داده است.



صفحه ۲

مؤرخ

آیا جنبش تحفظ پشتون‌ها برای افغانستان الهام‌بخش است؟

نوشت «با شعار تکبیر سکوت را از شهر بیرون کنید. امروزه شعار مقدس الله اکبر توسط افغان‌ها برای صلح، زندگی، آبادی احترام گذاشتن به انسانیت و افغانستان بانیات مورد استفاده قرار می‌گیرد.» منظور پشتین در حالی از حرکت مردم افغانستان علیه گروه طالبان حمایت می‌کند که دولت متبوع او به حمایت...

پس از این که شهروندان هرات و کابل از طرف شب به حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان شعار «الله اکبر» سر دادند، یکی از کسانی که بیرون از افغانستان به این حرکت واکنش نشان داد، منظور احمد پشتین، رهبر جنبش تحفظ پشتون‌ها در پاکستان بود که در حمایت از این حرکت مردم افغانستان در صفحه‌ی فیسبوک خود

مؤرخ



خاموشی چراغ «خانه ادبیات افغانستان»

چندین سال جنگ و ویرانی در افغانستان نتیجه‌ای جز آواره شدن افغان‌ها در گوشه‌وکنار جهان و نابود شدن پایه‌های زندگی در کشور نداشت. قریب به ۲۵ سال بعد از شروع جنگ‌های داخلی در افغانستان و...

تحلیل

سر خوردگی و استیصال حکومت

حکومت‌ها بر چه اساس به وجود می‌آیند و فلسفه‌ی ذاتی آن چیست؟ چرا حکومت افغانستان به سر خوردگی مضاعف و کانون شر تبدیل گردیده است؟ انتظارات مشروع شهروندان از حکومت با چه سنجهای استمساک شدنی است؟ آیا عظمت و اعتبار حکومت افغانستان رو به افول و انحطاط است؟ در این جستار تلاش می‌شود به این پرسش‌های بنیادین، به شکل منصفانه و به دور از تعصب ایدئولوژیک جواب، نقد و تحلیل ارائه شود. چیستی و فلسفه‌ی حکومت دقیق بر ارائه خدمات عمومی است که از سوی حکومت برای شهروندان ارائه می‌شود. حکومت به‌عنوان نهاد اگزستانسلی اساس می‌گیرد بر رسیدگی مطالبات مشروع شهروندان در یک قلمرو کشوری. سیالیت یک حکومت ناشی از ارائه خدمات عمومی برای...

۳

New Semester
July 31, 2021

Join us to Actualize your Academic Dreams!

خانه
موفقیت
The
TOEFL HOUSE
Unlock the World with TOEFL

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

شعبه کوه سگی: گولابی دواخانه، ایستگاه سابقه.
شعبه برجی: ایستگاه بنغازه، روی روی جلیلی سنتر.
شعبه سلیم کلون: سردک چهارم، چهارم، چهارم، سلیم کلون.

TOEFL House

هرچند حکومت از گروه‌های بسیج مردمی علیه خشونت و جنگ لجام‌گسیخته طالبان حمایت کرده است، اما هنوز در هماهنگی، مدیریت و استفاده از این نیروهای خودجوش، بی‌برنامه است.

همچنان بسیاری از گروه‌های مقاومت مردمی با این پرسش مهم روبرو هستند که اگر تفنگ شانه کنند، آیا حکومت از آنان حمایت خواهد کرد؟ ظاهراً با پیچیده‌شدن اوضاع و سخت‌ترشدن شرایط، بسیاری منتظر چراغ‌سبز حکومت نشدند و در برابر طالب قد علم کردند. آنها بر این باورند که اکنون ایستادگی و مقاومت در برابر طالب به معنای دفاع از دولت اشرف‌غنی نیست. بلکه ایستادگی برای بقاء، ارزش‌های انسانی، آزادی و آینده یک نسل است.

واقعیت این است که طی هفت سال گذشته شکاف عمیقی میان مردم و دولت بوجود آمد. عامل این شکاف نیز سیاست‌های غلط ارگ و همچنین فهم نادرست رییس‌جمهور از جایگاه و قدرت مردم بود. او که امروز از تریبون مجلس مردم و مسئولین را دعوت به همبستگی و مبارزه علیه گروه عقل‌ستیز طالبان می‌کند، فراموش کرده که دیروز، وزیر ری را که از همین پارلمان رأی اعتماد گرفته بود، در نخستین ماه‌های کاری‌اش برکنار کرد و وزارت را به سرپرست سپرد.

بر هیچ‌کسی پوشیده نیست که اشرف‌غنی محصول دو انتخابات پر از تقلب است. این را خود او بهتر از هر کسی می‌داند. او می‌داند که اشتراک پایین رأی‌دهندگان در آخرین انتخابات به چه معناست. اما مسأله این است که وقتی نگذاشته است. به این معنی که بسیاری از رهبران جهادی، سران احزاب و گروه‌های قومی را در طول هفت سال گذشته از خود دور کرد. مشارکت مردم را در تعیین سرنوشت‌شان به رأی‌دادن محدود کرد و خوانشی تازه از حکومت ارائه کرد که در آن تنها برخی ولایات و افراد همچون فضلی و محب، حکومت‌داری تازه را تعریف می‌کردند. طی هفت سال گذشته اشرف‌غنی به دلایل مختلف، سیزده بار به جلال‌آباد سفر کرده است. این رقم در مقایسه با سایر ولایات قابل مقایسه نیست. همچنین خودسری‌های اطرافیان او جز اینکه فاصله او را با مردم بیشتر کند، نتیجه دیگری نداشته است. پیامد چنین سیاستی، توزیع ناعادلانه عدالت و منابع، افزایش نارضایتی عمومی و در نهایت افزایش شکاف میان مردم و دولت بوده است.

رییس‌جمهور غنی در نشست با نمایندگان پارلمان و مجلس سنا ضمن بیان دیدگاه‌هایش درباره مذاکرات صلح و حمایت از بسیج مردمی علیه طالبان از مردم و نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور خواست تا در مقابل طالبان بسیج شوند. او گفت اکنون زمان «شکستن زانوی طالبان» رسیده است. تلاش‌های اشرف‌غنی در روزهای اخیر برای کسب مشروعیت و اعتبار از دست‌رفته‌اش (دایرکردن مجلس مشورتی با بزرگان سیاسی و جهادی و دیدار او با اعضای مجلس‌های سنا و پارلمان) گرچه به تعبیر بسیاری دیر اتفاق افتاد؛ کما اینکه هنوز هم بسیاری به آن به دیده تردید می‌نگرند. نشان از تنهایی و روزهای سخت و دشوار او است. روزهایی که به نظر می‌رسد خود او مهمترین عامل ایجاد آن بوده است.

مقاومت و بسیج مردمی علیه جنگ‌جویان طالبان یک فرصت است. یک امکان که از درون فاجعه برخاسته است. به دلیل ترس از تکرار تاریخ و فاجعه، اکنون مردم به صحنه آمده‌اند. آنها خواهان حمایت و پشتیبانی از دولت و نیروهای سیاسی خود هستند. لذا باید این فرصت تاریخی را هدر نداد. این یک سرمایه است. سرمایه‌ای که از میان خون و فاجعه سربرآورده. اشرف‌غنی بیش از هر کسی مسئول نگهداری و صیانت از این سرمایه است. او باید تصمیم بگیرد که میان منافع حکومت سه نفره‌اش، اطرافیان و اقوامش و آینده یک سرزمین یکی را انتخاب کند. چرا که دیری نخواهد گذشت که مردم دوباره صف خود را از دولت او جدا کنند. لذا برای این‌که اشرف‌غنی مشروعیت از دست‌رفته‌اش را بازیابد و مردم پاسخ مثبت به درخواست او برای همبستگی در برابر طالبان بدهند، نیاز است که سیاست‌های قومی و تبعیض‌آلود گذشته‌اش را کنار بگذارد. دایره حکومت‌داری را محدود به فضلی و محب و تعدادی انگشت‌شمار نسازد. به جریان‌ها و نیروهای سیاسی مخالف فضا دهد. و در نهایت اینکه در مدیریت جنگ و نیروهای امنیتی قاطعانه عمل کند.

دواخان مینه‌پال، رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت در کابل ترور شد

گروه طالبان مسئولیت ترور دواخان مینه‌پال، رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت را بر عهده گرفته است.

شماری از مقام‌های بلندپایه‌ی حکومتی از جمله عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه و... ترور آقای مینه‌پال را محکوم کرده‌اند. افزون بر این، برخی خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای نیز ضمن ستایش از مینه‌پال، ترور او را محکوم کرده‌اند.

اطلاعات روز: میرویس استانکزی، سخن‌گوی وزارت داخله تأیید کرده است که دواخان مینه‌پال، رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت در کابل ترور شده است. این رویداد ظهر دیروز (جمعه، ۱۵ اسد) در مربوطات ناحیه‌ی هفتم شهر کابل رخ داده است. آقای مینه‌پال قبلاً به‌عنوان معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری کار می‌کرد، اما از چند ماه به این طرف به‌عنوان رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت به کارش آغاز کرده بود.

طالبان شهر زرنج نیمروز را تصرف کردند، اما در شهر شبرغان جوزجان شکست خوردند



نورزاد تأکید کرد که نیروهای امنیتی و دفاعی تنها در ساختمان امنیت ملی نیمروز مشغول نبرد با طالبان اند. او علاوه کرد که مقام‌های محلی و امنیتی نیمروز به سمت ولسوالی چهاربرجک حرکت کرده‌اند. نورزاد حکومت مرکزی را به بی‌پروایی در راستای اعزام نیروهای تازه‌نفس متهم کرد.

طالبان ادعا کرده‌اند که تمامی بخش‌های شهر زرنج ولایت نیمروز را تصرف کرده‌اند. مقام‌های محلی نیمروز در مورد پیش‌روی طالبان چیزی نگفته‌اند.

در همین حال، ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان می‌دهد که طالبان در ورودی مقام ولایت حضور دارند و همچنین، زندانیان زندان مرکزی شهر زرنج را نیز از بند رها کرده‌اند. در این ویدیوها

اطلاعات روز: در ادامه‌ی حملات تهاجمی گروه طالبان بر مراکز ولایات، این گروه شهر زرنج ولایت نیمروز را تصرف کرده اما در شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان شکست خورده است.

گل‌احمد نورزاد، یک نماینده‌ی مردم نیمروز در مجلس نمایندگان می‌گوید که تمام قسمت‌های شهر زرنج به استثنای ریاست امنیت ملی این ولایت به‌دست طالبان سقوط کرده است. آقای نورزاد افزود که نیروهای امنیتی و دفاعی تحت تأثیر تبلیغات طالبان قرار گرفته و بدون درگیری ساحات تحت کنترل‌شان را ترک کردند. به‌گفته‌ی او، در حال حاضر ساختمان‌های مقام ولایت، فرماندهی پولیس، زندان و حوزه‌های پولیس در اختیار طالبان قرار دارد.

دید می‌شود که برخی از ساکنان نیمروز در حال چور و چپاول اموال دولتی در شهر زرنج هستند.

در پی نبردها در شهر زرنج، هزاران باشنده‌ی این شهر آواره شده‌اند.

هم اکنون حکومت ولسوالی چهاربرجک در فاصله ۱۱۵ کیلومتری جنوب شهر نیمروز و قسمت‌هایی از ولسوالی دلارام را در اختیار

دروازه‌های دانشگاه‌ها در ۱۱ ولایت به‌شمول کابل امروز به‌روی دانشی آموزان باز می‌شود

براساس فیصله‌ی وزارت صحت عامه تعطیل شد. دو هفته پس از آن، تعطیلی دانشگاه‌ها و مکاتب در سراسر کشور عملی شد. هدف از این تصمیم، جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس کرونا گفته شده بود.

در دوم اسد، وزارت تحصیلات عالی با در نظر داشت فیصله‌ی وزارت صحت عامه، تصمیم گرفت که درس‌های حضوری را در دانشگاه‌های کشور به‌گونه‌ی تدریجی آغاز کند، اما پیش از بازگشایی دانشگاه‌ها، باید تمامی دانش‌آموزان در برابر کرونا واکسین شوند.

که در ۱۱ ولایت میزان ابتلای افراد به ویروس کرونا کم‌تر از ۳۵ درصد گزارش شده است. آقای عبیدی همچنین گفت که گزارش سایر ولایات نیز از سوی وزارت صحت عامه به وزارت تحصیلات عالی رسیده و قرار است که امروز بررسی شود.

به‌گفته‌ی او، از مجموع ۲۳ ولایت باقی‌مانده، در هر ولایتی که میزان ابتلا به ویروس کرونا پایین‌تر از ۳۵ درصد تثبیت شود، درس‌های حضوری دانشگاه نیز در آن ولایت آغاز می‌شود.

دانشگاه‌ها، مکاتب و دیگر مراکز آموزشی در هشتم جوزای سال جاری در ۱۶ ولایت

اطلاعات روز: مسئولان در وزارت تحصیلات عالی کشور می‌گویند که قرار است درس‌های حضوری در دانشگاه‌های ۱۱ ولایت کشور امروز (شنبه، ۱۶ اسد) آغاز شود.

این ولایات شامل کابل، قندوز، نیمروز، دایکندی، بلخ، بادغیس، قندهار، نورستان، سمنگان، پنجشیر و جوزجان می‌شوند. وزارت تحصیلات عالی می‌گوید که در سایر ولایات نیز تلاش می‌کند درس‌های حضوری دانشگاه‌ها را به‌صورت تدریجی آغاز کند.

حامد عبیدی، سخن‌گوی وزارت تحصیلات عالی دیروز به روزنامه اطلاعات روز گفت

پنج غیرنظامی در پی اصابت مرمی راکت بر یک موتر مسافربری در میدان وردک کشته شدند

جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت دارند. این گروه در ماه‌های اخیر کنترل ولسوالی‌های نرخ و جلیز را نیز به‌دست گرفته است.

مسافران ولایت‌های مرکزی، از جمله دایکندی، غور و بامیان از مسیر ولسوالی جلیز به کابل رفت‌وآمد می‌کنند.

این مسیر در طول سال‌های گذشته یکی از مرگ‌بارترین مسیر برای غیرنظامیان بوده است، طوری که برخی از مردم از مسیر دره‌ی جلیز به‌عنوان «دره‌ی مرگ» نیز یاد می‌کنند.

شده است که در نتیجه‌ی آن، هفت غیرنظامی دیگر نیز زخمی شده‌اند. او گفت که این موتر از ولایت دایکندی به‌سوی کابل در حرکت بوده است.

در همین حال، ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان در توییتی گفته است که این موتر مسافربری از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی با شلیک مرمی دهشکه هدف قرار گرفته است.

پولیس میدان‌وردک تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

ولایت میدان‌وردک در جنوب‌غرب کابل موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت،

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت میدان‌وردک می‌گویند که در پی اصابت مرمی راکت بر یک عراده موتر مسافربری نوع فلانکوچ در مرکز این ولایت پنج غیرنظامی جان باخته‌اند.

احمد جعفری، عضو شورای ولایتی میدان‌وردک به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد صبح دیروز (جمعه، ۱۵ اسد) در ساحه‌ی دوراهی «نرخ» در مرکز این ولایت رخ داده است. دوراهی «نرخ» کمربند دفاعی شهر میدان‌شهر است.

آقای جعفری همچنین گفت که این راکت از سوی جنگ‌جویان گروه طالبان شلیک

معاون آمر امنیت فرماندهی پولیس فراه در نبرد با طالبان کشته شد

اطلاعات روز – هرات: عبدالقادر، معاون آمر امنیت فرماندهی پولیس ولایت فراه در نبرد با جنگ‌جویان گروه طالبان کشته شده است.

ستار حسینی، نماینده‌ی مردم فراه در مجلس نمایندگان به روزنامه اطلاعات روز گفت که این مقام پولیس دو شب پیش (پنج‌شنبه، ۱۴ اسد) در روستای «بلند ده» حومه‌ی شهر فراه جان باخته است.

یک منبع معتبر امنیتی در فراه که نخواست نام او در خبر ذکر شود، در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، کشته شدن این مقام پولیس را تأیید کرد.

منابع مردمی در فراه به اطلاعات روز گفته‌اند که در حال حاضر درگیری میان نیروهای امنیتی و دفاعی و جنگ‌جویان گروه طالبان در شمال‌شرق شهر فراه جریان دارد. گروه طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته است.

روز چهارشنبه پولیس فراه از ایجاد قطعه ویژه تحت نام «قطعه لیزری» متشکل از پولیس و امنیت ملی خبر داده بود. پولیس فراه به اطلاعات روز گفته بود که حدود ۳۰۰ نیروی امنیتی و دفاعی با تجهیزات پیشرفته شامل این قطعه اند.

ولایت ناامن فراه در غرب کشور موقعیت دارد. گروه طالبان ده ولسوالی این ولایت را در کنترل دارد.

در ولسوالی دوربابای ننگرهار کسانی که با طالبان همکاری کنند، یک میلیون جریمه می‌شوند

ولسوال ولسوالی دوربابا گفته‌اند که فیصله‌ی جدید را در نخست بر خانواده‌هایی تطبیق می‌کنند که طی یک هفته‌ی آینده‌ی اعضای خانواده‌ی‌شان از صفوف طالبان و همکاری با این گروه بیرون نکنند.

پیش از این، در ولسوالی اسپین‌غر ولایت ننگرهار نیز بزرگان قومی فیصله کرده بودند که در مناطق‌شان به طالبان جای نمی‌دهند و هر کسی که با طالبان همکاری و یا اعضای این گروه را پناه بدهد، از ولسوالی اخراج و با جریمه‌ی نقدی مواجه خواهد شد. ولایت ناامن ننگرهار در شرق افغانستان موقعیت دارد. این ولایت با پاکستان مرز مشترک دارد و در بخش‌هایی آن جنگ‌جویان گروه طالبان نیز حضور و فعالیت تروریستی دارند.

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که براساس فیصله‌ی بزرگان قومی ولسوالی دوربابای این ولایت، هر کسی که با مخالفان مسلح دولت همکاری کند، یک میلیون افغانی جریمه می‌شود.

عطاالله خوگیانی، سخن‌گوی والی ننگرهار دیروز (جمعه، ۱۵ اسد) در رشته‌توییتی نوشته است که براساس این فیصله، خانه‌ی شخصی که با مخالفان مسلح دولت همکاری کند، نیز به آتش کشیده می‌شود.

آقای خوگیانی نوشته است که بزرگان قومی در ولسوالی دوربابا همچنین فیصله کرده‌اند که در مناطق‌شان به هیچ‌کسی اجازه‌ی ویران‌گری را نمی‌دهند. به‌گفته‌ی او، بزرگان قومی و در رأس آنان، همیش گل مسلم در حضور شمشاد عمر،

بهر روز جهانبار

حکومت‌ها بر چه اساس به وجود می‌آیند و فلسفه‌ی ذاتی آن چیست؟ چرا حکومت افغانستان به سرخوردگی مضاعف و کانون شر تبدیل گردیده است؟ انتظارات مشروع شهروندان از حکومت با چه سنجهای استمساک شدنی است؟ آیا عظمت و اعتبار حکومت افغانستان رو به افول و انحطاط است؟ در این جستار تلاش می‌شود به این پرسش‌های بنیادین، به شکل منصفانه و به دور از تعصب ایدئولوژیک جواب، نقد و تحلیل ارائه شود.

چیستی و فلسفه‌ی حکومت دقیق بر ارائه خدمات عمومی است که از سوی حکومت برای شهروندان ارائه می‌شود. حکومت به عنوان نهاد اگزستانسلی اساس می‌گیرد بر رسیدگی مطالبات مشروع شهروندان در یک قلمرو کشوری. سیالیت یک حکومت ناشی از ارائه خدمات عمومی برای شهروندان است. یعنی چیستی حکومت، دال بر مدلول برآورده شدن انتظارات مشروع شهروندان است. مناسبت استراتژی و برنامه‌های یک دولت، مبنی بر حکومت‌داری و داشتن انحصار قدرت مشروع، وظیفه و مکلفیت است تا خدمات عمومی و نوکری به مردم (حکومت‌شوندگان) نماید و خواسته‌های مشروع آنان را برآورده سازد. این خدمات عمومی شامل تأمین امنیت، ارائه آب آشامیدنی صحی، دفاع از سرحدات، تأمین برق، ترانسپورت عمومی، مکاتب عمومی، دانشگاه‌های عمومی، شفاخانه‌های عمومی، ساخت سرک‌های عمومی، حاکمیت قانون، کتاب خانه عمومی، سیستم مخابرات و ارتباط عمومی و محیط زیست سالم است.

به تبع آن، حکومت افغانستان در ارائه این خدمات عمومی که جزء لاینفک وظیفه قانونی و مسئولیت اداری آن می‌باشد، ناکام بوده و هیچ نوع استراتژی مدون که مبتنی بر اصول حاکم بر خدمات عمومی باشد، ندارد. احصا در بخش تأمین امنیت که از جمله ضرورت حیاتی جامعه است، دچار لجام‌گیسختگی و سرخوردگی است. در اکثر ساحات افغانستان نامنی، جنگ و کشتار جریان دارد. در جای‌جای این سرزمین، شهروندان قربانی شر ناموجه و نظام تبعیض حاکم می‌شوند. امروزه هیچ شهروند افغانستان مصونیت و امنیت ندارد، امنیت بدین معنا که تهدید روانی و فیزیکی علیه شهروندان موجود نباشد. بدون امنیت و فقدان هرگونه تهدید، نمی‌توان به زندگی شهروندی که با خواسته‌ها، ارزش‌های متفاوت و متنوع درهم تنیده می‌باشد ادامه داد. امنیت در نظام‌های دموکراتیک و قانون‌بنیاد، به دو نوع امنیت فردی و ملی معنا می‌یابد که تضمین‌کننده رفاه اجتماعی و استواری سیاسی در جامعه است. کنوانسیون‌های بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های ضمیمه‌ی آن که در سال ۱۹۶۶ شکل گرفت، دال بر ضرورت و گلوبول بودن آن به عنوان یک عنصر ارزشی است.

امنیت فردی پیش‌شرطی برای حاکمیت قانون و تعمیم عدالت در جامعه است؛ امنیت فردی، زمانی که شخص از نقطه‌ی الف به نقطه‌ی ب حرکت می‌کند هیچ نوع تهدید فیزیکی علیه آن نباشد، یعنی آزادی فردی و حاکمیت خود ارادیت شخص، در کنش‌های متفاوت آن قابل اجرا باشد و تضمین‌های اجتماعی و قضایی در زندگی آن متصور باشد و مصونیت زندگی آن در پروسه‌های مختلف ضمانت گردد. زمانی که مصونیت‌های فردی و حقوقی افراد در جامعه ناممکن باشد نمی‌توان گفت امنیت در چنین جامعه حاکم است و قانون بر کنش‌های افراد حکومت دارد. به قول توماس هابز، فیلسوف انگلیسی قرن ۱۷، انسان‌ها گرگ یکدیگرند و یکدیگر را می‌بلعند. می‌بایست نهاد و دستگاه سیاسی، امنیت فرد را تضمین و تأمین نماید. بدین جهت است که دینامیزم امنیت و مشروعیت نظام امریست الزامی برای حاکمیت ملی و ثبات کشور. همچنان که امنیت ملی بازتاب‌دهنده قوت ملی و پرستی سیاسی یک کشور، در سطح ملی و بین‌المللی است. دولت مبتنی بر قانون و داری خود ارادیت سیاسی، دقیقاً حکومتی است که از امنیت ملی برخوردار است. امنیت ملی یعنی، هر نوع آرامش اجتماعی و سیاسی در جامعه که در آن حقوق، منافع افراد و منافع ملی حفظ باشد. به زبان دیگر، امنیت ملی بر فقدان هر نوع تهدید، دست‌های معامله‌گر خارجی و عدم هر نوع تهدید مادی و معنوی همراه است. کشوری که از چنین مؤلفه‌ها بیگانه باشد، قطعاً در بحران سیاسی و سراسیمگی ملی قرار دارد. چنانچه حکومت امروزی ارگ‌نشینان و سپیدار، در تأمین امنیت و دفاع از سرحدات کشور ناتوان است و نسبت به هر زمانی دیگری سرخورده و درمانده است و توان مبارزه با دشمن را ندارد. ولسوالی‌های کشور یکی بعد دیگری به دست گروه تروریستی طالبان سقوط می‌کند. معاشات نیروهای نظامی به شکل منظم پرداخت نمی‌گردد، تأمین برق، آب آشامیدنی، سرک، ترانسپورتیشن عمومی و هوای پاک و محیط زیست سالم نیز وجود ندارد. این دیگر عمق فاجعه و انسداد سیاسی را در افغانستان نشان می‌دهد. حکومت دقیق به کانون شر تبدیل گردیده است؛ برای شهروندان، تنها چند فرد منقط و پوپولیست سرنوشت کشور را به دست گرفته است. هرآنچه میل‌شان باشد معامله و سیاست می‌کنند. در چنین جامعه‌ای، نظام مکرر می‌گردد، جمهوریت به‌زعم دروغین‌شان به اصل تغییرناپذیر مبدل می‌شود. سیاست‌های آماتوری پوپولیستی و توجیه‌های مضحکانه از سوی ارگ‌نشینان و سپیدار در جامعه استیلا می‌یابد. جنگ، انسان کشی و بحران سیاسی

سرخوردگی و استیصال حکومت



کشور را استتار می‌نماید و فاجعه ملی رخ می‌دهد. این حالت نشان‌دهنده نهایت وضعیت جانکاه، برای ما شهروندان ناشهروند افغانستان است. هر فرد تلاش دارد تا راه برای فرار از کشور جست‌وجو کند و خود را به جای امن برساند. حکومت فاسد، از پول و مالیات شهروندان حیثیومیل شخصی می‌کند. چند فرد متعصب و مریض نظام را در انحصار گرفته است. ناکارآمدی و بی‌کفایتی خود را به قول نیچه «دروغ رستگاری» می‌نمایند و از شهروندان و رسانه‌ها می‌خواهد افشاکاری نکند، نقد و پرسش‌گری را کنار بگذارد و آنرا ممنوع قرار می‌دهد. چون ناتوان و درمانده گردیده است و رو به افول است.

در سوی دیگر، قوه قضائیه نیز که دستگاه عدالت‌گستر بی‌عدالتی را پیشه‌ی خود ساخته است. پنج هزار طالب جانی و مجرم بدون این‌که اعدام و حبس دوام را سپری نماید رها می‌شود. به نظر می‌رسد هفت هزار جانی دیگر طالب نیز رها شود. شهروندان چه امید و انتظار از قوه قضائیه خویش دارد؟ طالبان در طول سی سال مردم ما را قربانی ناحق ساخته و چگونه این جانیان باید رها گردد؟

مگر او کودک، او جوان و پیر (مرد و زن) چه گناه کرده است که همچنان قربانی شود؟ آیا عدالت همین است که طالب جانی رها گردد؟ چرا قوه قضائیه وارد بازی‌های سیاسی مصلحت‌های کشور شود؟ شما در هیچ کشوری سراغ ندارید که قوه قضائیه دزدخل در امور سیاسی باشد. قضات از تعلقات حزبی و ایدئولوژیک به‌دور است. تا حاکمیت قانون را در جامعه پاسدار و اجرا نماید.

بنابراین، نبود قوه قضائیه سالم و مستقل در کشور، فساد را در ریشه‌های نظام و جامعه نهادینه ساخته است. عدم استقلالیت قوه قضائیه و تحت‌تأثیر بودن سایر قوا دال بر مکدرشدن نظام است. در این حالت قوه قضائیه تبدیل به توجیه‌گر قانونی اعمال نامشروع حکومت تنزل می‌یابد. عدالت و برابری از جامعه رخت می‌بندد. بدیهی است که قوه قضائیه از وظیفه اصلی فاصله گیرد و با کاروان مافیای فساد همراه شود. آمارها نشان می‌دهد که صدها دوسیه‌های فساد، غصب املاک، حیثیومیل ملکیت‌های عامه و صدها فجایع دیگر، بدون این‌که به مرحله تحقیق و تعقیب گذاشته شود رها می‌شود. دلیل آن این است که جناب ایشان وابسته به باندها و حلقات بالای جیب‌شیریک می‌باشند. در این صورت طبیعی است که دستگاه قضایی، خلاف قانون عمل نماید.

زمانی که چنین دستگاه پاسدارعدالت در جامعه نباشد و بی‌عدالتی را پیشه‌ی خود سازد، چگونه انتظار احقاق حق را در اجتماع داشته باشیم؟ این عملکرد قضات نشان می‌دهد که اصلاً به حقوق مردم و اساسات قانون باور و احترام ندارد، و همه ارزش‌های اجتماعی را قربانی خواسته‌های باارهای خود می‌سازد و برای دلبری قدرت، قانون را ابزار ساخته و از حقوق مردم نیز سوءاستفاده می‌کنند. وانگهی، پارلمان افغانستان یا شورای ملی که از همه‌ی شهروندان نمایندگی می‌کنند که امروزه نمایندگی کرده نمی‌توانند؟ وضعیت آن اسفبارتر است. مطابق فصل پنجم قانون اساسی کشور پارلمان چند وظیفه و مسئولیت مهم در قبال کشور و شهروندان دارد. اول، تمثیل حاکمیت ملی و اقتدار ملی، برای پاسداری از مردم‌سالاری و عدالت اجتماعی در کشور. حاکمیت ملی یعنی فوق قدرت‌ها که از آن شهروندان است مطابق ماده چهارم ق.ا. شهروندان می‌توانند، مستقیماً یا توسط نمایندگان خود، این قدرت را اعمال نمایند. بنابراین، پارلمان کشور به‌جای این‌که این مسئولیت قانونی و شهروندی را انجام دهد، شورای ملی را به دکانداری و دلالی سیاست تبدیل نموده است. مطابق قانون اساسی مواد ۹۱، ۹۲، ۹۰ پارلمان باید از امور حکومت (قوه مجریه) نظارت نماید. همچنان که کابینه را

نهایت سریع تمام افراد جامعه را مصاب می‌سازد و خانواده‌ها افراد مصاب‌شده را در خانه‌های‌شان قرنطینه می‌کنند. اکنون نیز پسر از پدر و مادر از اولادها فرار می‌کنند. هر یک روزنه‌ای برای خود جست‌وجو می‌کند تا زنده بمانند. وضعیت شهر ارن، طور بحرانی می‌شود که شهر باید قرنطینه کامل شود. طاعون یگانه شری است که ازهمگان یکسان قربانی می‌گیرد. مانند حملات دهشت‌افکنانه طالب و گروه‌های که به‌نام‌های این و آن مردم افغانستان را قربانی می‌کند. تبعیض در کار نیست، یگانه راه پیشگیری قرنطینه‌شدن و نظافت را مراعات‌کردن است.

در داستان طاعون شخصیت‌های مهم نقش بازی می‌کنند. خصوصاً داکتر ریو و پانلو، دقیقاً به حال‌وهوای وضعیت کشور ما مطابقت دارد. داکتر ریو شخصیت عملگرا و عینی است. او وضعیت را درک می‌کند و در مبارزه با طاعون آستین بالا می‌کشد. او یک داکتر معالج است و بیشتر از همه با مرگ‌ومیر آشنایی دارد ولی هیچگاه مرگ را نمی‌پذیرفت. «بعد لازم شد مردن انسان‌ها را ببینم. می‌دانید کسانی هستند که نمی‌خواهند بمیرند؟ هرگز صدای زنی را شنیده‌اید که در لحظه‌ی مرگ فریاد می‌زند: هرگز، من شنیده‌ام. و بعد متوجه شده‌ام که نمی‌توانم به آن خو بگیرم. آن وقت من جوان بودم و نفرت من متوجه نظام عالم می‌باشد. از آن وقت متواضع‌تر شدم. فقط هیچ‌وقت به دیدن مرگ خو نگرفتم.» در سوی دیگر داستان کشش پانلو است. او معتقد است که طاعون نوع از عذاب خداوند بالای بندگانش است. پانلو یک شخص متعصب و جزم‌گرا است. مانند داکتر محمدشرف غنی صاحب حقایق جامعه را

نمی‌بیند. آن‌چه به‌زعم خود برحق می‌بیند بر کشور اعمال می‌کند. از حقایق فرار می‌کند و تأکید بر حرف‌های خود دارد. پانلو دو راه برای مردم ارن پیشنهاد می‌کند: «یا با خداوند کینه بورزیم یا او را دوست بداریم.» غنی صاحب نیز برای مردم افغانستان دو راه را پیشنهاد می‌کند: یا بمیرید یا من بر شما حکومت می‌کنم. حکومت‌کردن غنی با فقر، بی‌کاری، ناامنی و جنگ همراه است. کسی صدا بلند نکند، اعتراض ممنوع است ورنه کشته می‌شود. غیرممکن به‌نظر نمی‌رسد که عبدالله عبدالله صاحب نقش مرد غارنشین به‌نام آرگوس مسما است که در داستان بی‌مرگی خورخه لوئیس بورخس را خوب بازی نموده است. آرگوس یک شخص تنبل و مفت‌خور است. «یکی را به‌خاطر می‌آوردم که هرگز ندیدم سرپا بایستد- پرنده‌ای روی سینه‌اش آشیانه ساخته بود» (داستان جنگ‌جو و دوشیزه‌ی اسیر، ۲۶). در جای دیگر: «در ماسه‌ها دراز می‌کشید و از سپیده‌ی صبح تا آخر شب، می‌گذاشت تا افلاک در آسمان بالای سرش بگردند.» تمام برنامه‌های عبدالله صاحب را اگر بررسی نماییم به ملاقات‌ها و لباس‌پوشیدن شیک تمام می‌شود. در طول کارنامه چند سال پسین آن هیچ دست‌آورد قابل‌ملاحظه را دیده نمی‌توانیم. همین که سهم آن یک چوکی از حکومت باشد و ملاقات‌شان هم با لباس‌های برند و شیک، این غنیمت روزگار از لحظه زندگی‌اش است و بس.

طاعون مردم افغانستان را زمین‌گیر نموده است، گاهی طاعون طالب و گاهی هم طاعون ارگ‌نشینان و سپیدار قربانی از مردم می‌گیرد. این وضعیت تاریک و بی‌رحمانه‌ی مرگ‌آفرین، تداعی‌کننده افول جامعه و کشور به کام مرگ است. چرا که ادامه‌ی این مرگ تدریجی، سلطه حکومت و طالبان، اعلام شکست تمام عیار انسانیت در افغانستان است. باید در مقابل این وضعیت جانکاه ایستاد و هریک از ما داکتر ریو شویم و مبارزه کنیم در برابر این طاعون‌ها. حکومت نیز اگر به مطالبات مردم رسیدگی ننماید و خواسته‌های خود را با مطالبات مردم موازی ننماید افول آن امریست ملتمز و انکارناپذیر.

دولت‌ها همیشه در سه حالت به افول مواجه می‌شوند: ۱. بحران سیاسی و اجتماعی. بدین معنا که دولت در امر ارائه خدمات عمومی برای شهروندان عاجز گردد. مردم بی‌کار باشند، فقر بیداد نماید، جرایم و فساد به اوج خود برسد. در این زمان است که حکومت برای حفظ خود به ترندهای ناموجه روی می‌آورد که ارگ‌نشینان و سپیدار مصداق آن می‌باشد. ۲. ضعیف‌شدن دولت‌ها: زمانی که حکومت‌ها در دفاع از سرحدات خود عاجز بمانند و امنیت را تأمین کرده نتوانند. در رهبری و مدیریت نظام، لجام‌گیسختگی رخ دهد، حکومت چند نفری نظام را به‌دست گیرد و به مطالبات مردم پشت نماید. حکومت خود به یک معضل ملی تبدیل می‌گردد. شروع بدبختی و حاکم‌شدن شر مضاعف بالای شهروندان استیلا می‌یابد و مردم قربانی این شر ناموجه می‌شود. ۳. بحران اخلاقی و ناکارآمدی دولت: زمانی که مطالبات دولت با مطالبات مردم موازی نباشد و خلاف جهت حرکت نماید. این‌جاست که شکاف و فاصله میان شهروندان و حکومت به‌وجود می‌آید که این شکاف و فاصله باعث بی‌اعتباری حکومت می‌شود. بی‌اعتباری حکومت مدلول بحران بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود و انقطاع سیاسی دال بر عدم مشروعیت و عدم حقانیت دولت در یک کشور می‌شود.

منابع:

- ۱- کامو، آلبر، طاعون؛ مترجم، پرویز شهدی، انتشارات مجید، تهران ۱۳۸۹.
- ۲- بورخس، خورخه لوئیس، داستان جنگ‌جو و دوشیزه‌ی اسیر، مترجم، مانی صالحی علامه، انتشارات پارسه، تهران ۱۳۹۳.

آیا جنبش تحفظ پشتون‌ها برای افغانستان الهام‌بخش است؟

عباس عارفی

پس از این‌که شهروندان هرات و کابل از طرف شب به حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان شعار «الله اکبر» سر دادند، یکی از کسانی که بیرون از افغانستان به این حرکت واکنش نشان داد، منظوراحمد پشتین، رهبر جنبش تحفظ پشتون‌ها در پاکستان بود که در حمایت از این حرکت مردم افغانستان در صفحه‌ی فیسبوک خود نوشت «با شعار تکبیر سکوت را از شهر بیرون کنید. امروزه شعار مقدس الله اکبر توسط افغان‌ها برای صلح، زندگی، آبادی احترام گذاشتن به انسانیت و افغانستان باثبات مورد استفاده قرار می‌گیرد.» منظور پشتین در حالی از حرکت مردم افغانستان علیه گروه طالبان حمایت می‌کند که دولت متبوع او به حمایت همه‌جانبه گروه طالبان متهم است.

جنبش تحفظ پشتون‌ها اما فراتر از این شعارها در قبال مسائل افغانستان حساس هست. چنان‌که اخیراً در یک گردهمایی بزرگ در وزیرستان جنوبی، رهبران این جنبش خواهان توقف مداخلات حکومت و ارتش پاکستان در امور افغانستان شده و از حکومت پاکستان خواستند که به جنگ در افغانستان دامن نزنند. منظوراحمد پشتین در صفحه‌ی فیسبوک خود نوشت: «پیام واضح این گردهمایی این بود که آنان دیگر نمی‌گذارند از خاک پشتونخواه بر ضد افغانستان استفاده شود.» رهبران جنبش تحفظ پشتون در رابطه افغانستان اما فراتر از مرزهای سیاسی می‌اندیشند و به ایده پشتونستان بزرگ باورمند هستند. به همین دلیل رابطه سران این جنبش با حکومت فعلی افغانستان خوب است.

جنبش تحفظ پشتون در ماه جنوری سال ۲۰۱۸، زمانی شکل گرفت که نقیب‌الله مسید، جوان تجارت‌پیشه پشتون در شهر کراچی پاکستان توسط پولیس کشته شد. در اعتراض به این رویداد در مرحله‌ی نخست «جنبش تحفظ مسید» در دیره اسماعیل‌خان شکل گرفت و پس از اندک زمانی گستره این اعتراض تا مرکز شهر اسلام‌آباد پایتخت پاکستان رسید. بعد از ده روز هزاران اعتراض‌کننده از شهرهای مختلف پاکستان به این جنبش پیوستند و عنوان این حرکت اعتراضی به «جنبش تحفظ پشتون PTM» تغییر کرد. رهبری این جنبش را منظوراحمد پشتین برعهده داشت و خواست این جنبش خشونت‌پرهیز اعتراضی نیز مشخص بود؛ ارتش پاکستان به کشتار هدفمند فعالان پشتون در مناطق قبیله‌ی پایان دهند و فعالان سیاسی پشتون را از زندان‌های پاکستان آزاد کنند.

با آن‌که حکومت پاکستان در مقابل خواسته‌های این جنبش مدنی روش سرکوب و خشونت را در پیش گرفت و آن‌ها را متهم به تندروی و آشوب کرد، ولی این حرکت اعتراضی همچنان با ماهیت و روش مدنی پیش رفت و جنبه‌ی خشونت‌پرهیزی آن بر فضای خشن سیاسی و اجتماعی حاکم در پاکستان غلبه کرد. جنبش مدنی تحفظ پشتون‌ها در زمینه و بستر اجتماعی شکل گرفت و دوام نمود که از دیرزمان خشونت در آن جا ریشه دوانده بود و افراطیت مذهبی رشد کرده بود. با این‌حال اکنون نزدیک به سه سال از شکل‌گیری این جنبش در پاکستان می‌گذرد، ولی مسیر این حرکت

مدنی همچنان مشخص است و شیوه دادخواهی آن مدنی و خشونت‌پرهیز باقی مانده است.

با توجه به مسأله اشتراک فرهنگی در سوی مرز دیورند و حساسیت مسائل قومی در افغانستان و پاکستان، انتظار می‌رفت که دامنه‌ی این جنبش به این سوی مرز دیورند در داخل افغانستان نیز با همان قدرت و روش گسترش یابد و قبایل این سوی دیورند نیز در واکنش به این همه خشونت و جنگ جاری در افغانستان واکنش مدنی و خشونت‌پرهیز از خود نشان دهند. بنابراین سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چرا دامنه جنبش تحفظ پشتون‌ها در این سوی خط دیورند گسترش نیافت و چنین حرکتی در افغانستان به راه نیفتاده است؟ آیا نیاز به همچون جنبش مدنی در داخل افغانستان و به‌خصوص در بین قوم پشتون احساس می‌شود؟

داوود ملیز، پژوهشگر و کارشناس جنبش‌های خشونت‌پرهیز در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید جنبش تحفظ پشتون‌ها در پاکستان به‌مثابه یک جنبش مدنی خشونت‌پرهیز الگوی خوب برای افغان‌ها است تا به این شیوه به جنگ و

طالبان می‌فهمند که جنبش‌های خشونت‌پرهیز در مقابل آن‌ها چالش جدی خلق می‌کند. همان‌طوری‌که جنبش تحفظ پشتون‌ها در پاکستان برای طالبان چالش ایجاد کرده است.

خشونت نه بگویند. اگر چند کاروان صلح که از هلمند شروع شد و در بسیاری از ولایت‌های افغانستان سفر کردند، با الگو از جنبش تحفظ پشتون‌ها شکل گرفته بود، ولی آن‌چنان که انتظار می‌رفت. مورد توجه قرار نگرفت و مؤثر واقع نشد. آقای ملیز می‌گوید «الگوی جنبش تحفظ پشتون‌ها خان عبدالغفار خان و جنبش خدای خدمتکار است. اما تنها یک الگو کافی نیست که یک جنبش شکل بگیرد. بلکه فراتر از آن بسیج اجتماعی و فعالیت اجتماعی در سطح وسیع جامعه است که روی وضعیت سیاسی تأثیر می‌گذارد. خان عبدالغفارخان برعلاوه انتخاب روش خشونت‌پرهیز، فعالیت‌ها و بسیج اجتماعی را نیز در جامعه‌ی پشتون

پاکستان به راه انداخته بود که برآیند آن روی وضعیت سیاسی نیز اثرگذار بود. با این‌حال بسیاری از اعضای جنبش تحفظ پشتون‌ها در کشورهای اروپایی شهروندان افغانستان هستند.»

آقای ملیز معتقد است که بسیج اجتماعی در یک جامعه دشوار و زمان‌بر است. با توجه به واقعیت جاری در افغانستان که گروه طالبان بر علیه هر نوع فعالیت مدنی و بسیج اجتماعی خشونت‌پرهیز مقاومت کرده و آن‌را سرکوب می‌کنند «طالبان می‌فهمند که جنبش‌های خشونت‌پرهیز در مقابل آن‌ها چالش جدی خلق می‌کند. همان‌طوری‌که جنبش تحفظ پشتون‌ها در پاکستان برای طالبان چالش ایجاد کرده است. چنان‌که چند وقت پیش در طالبان در تمام گروپ‌های واتساپ جنبش تحفظ پشتون‌ها دسترسی پیدا کرده بودند و پیام‌های شان نشر شد که از جنبش به‌شدت شکایت داشتند که چرا جنبش تحفظ پشتون‌ها فعالیت طالبان را در پاکستان رسانه‌ای می‌کنند. به‌خصوص فعالیت شفاخانه‌ای در چین پاکستان که زخمی‌های طالبان را تداوی می‌کند و اعضای جنبش تحفظ پشتون از آن‌جا فیلم گرفته و نشر کرده بودند.»

خاموشی چراغ «خانه ادبیات افغانستان»



جامعه ایران وصل می‌کرد. رجایی در حوزه ادبیات کودک، شعر و گردآوری خاطرات کتاب‌هایی را به نشر رسانده است. از جمله می‌توان به کتاب‌های «گل‌های باغ کابل» (هرات/۱۳۸۶- شعر کودک)، «گودی‌پران هفت‌رنگ» (کابل/۱۳۹۷- گردآوری داستان کودک و نوجوان)، «گرگ‌های مهربان کوه تخت» (تهران/۱۳۹۹- قصه‌ی کودک)، «در آغوش قلب‌ها» (تهران/۱۳۹۵- گردآوری شعر و خاطره)، «از دشت لیلی تا جزیره‌ی مجنون» (تهران/۱۳۹۷- تحقیق و خاطرات) و «سفیدتر از آفتاب» (کابل، ۱۳۹۷ و تهران، ۱۳۹۹، گزیده‌ی شعرهای حیدری وجودی به

فعالیت‌ها و دستاوردها اگرچند گرفتاری‌های رجایی فرصت پرورش قریحه ادبی-شعری‌اش را از او سلب کرد و نتوانست به جایگاهی که در ادبیات شایسته‌ی آن بود برسد اما با این‌حال به آن اندازه برای فرهنگ و ادب جامعه مهاجر افغانستان در ایران خدمت کرد که او را حالا به‌عنوان شاخص‌ترین چهره در حوزه مدیریت و گسترش فعالیت‌های فرهنگی افغان‌های مقیم در ایران می‌شناسند. شاید لقب «شاعر مقاومت» از این جهت که او در پی‌گیری و به‌سرانجام‌رساندن کارها جدید و استعداد خاص داشت، نیز شایسته‌ی او باشد. چون او بود که جامعه مهاجر افغانستان را با فرهنگ و

می‌بیند. ضیا قاسمی، شاعر و از دوستان سرور رجایی در این باره می‌گوید: «جلسات شعر و قصه او را با جماعت فرهنگی مهاجر آشنا کرد. ما ابتدا فکر می‌کردیم چون رجایی هم به‌لحاظ سنی از بقیه اعضای گروه بیشتر است و هم شغش کارگری است، نمی‌تواند به پی‌گیری این جلسات ادامه بدهد. از طرف دیگر، وقتی در اولین جلسه شعرش مورد ارزیابی قرار گرفت بازخورد مثبت نداشت. اما او همچنان با شور و شوق فراوان به آمدن در آن جلسات ادامه داد، به‌نحوی که بیشتر از مسئولین آن جلسات جدیت بیشتر به خرج می‌داد و کم‌کم به یکی از پایه‌های آن گروه تبدیل شد.»

به گفته بعضی دوستانش در اواخر به این حزب می‌پیوندید و از «مقاومت غرب کابل» حمایت می‌کند. دوران نوجوانی او توأم با تأثیرپذیری از شخصیت‌های چون عبدالعلی مزاری، اقبال لاهوری، شهید اسماعیل بلخی و جلال آل‌احمد بود. او در یکی از آخرین مصاحبه‌هایش از کتاب «خسی در میقات» جلال آل احمد به‌عنوان مهم‌ترین کتاب زندگی‌اش نام برد.

رجایی در دوران جهاد و مقاومت هرازگاهی در نقش عکاس ظاهر می‌شد و از بعضی جلسات مهم عکس می‌گرفت، شغلی که به‌نظر می‌رسد در آن سال‌ها آدم‌های زیاد با آن آشنایی نداشتند. گذشته از این، برای محمدرسور رجایی، که در آن زمان تازه‌جوانی بیش نبوده، مفاهیم دینی-ایدئولوژیکی چون «جهاد»، «شهادت» و «مقاومت» از جایگاه خاص در زندگی‌اش برخوردار می‌شوند، به‌طوری که این مفاهیم و ارزش‌ها مسیر زندگی او را رقم می‌زنند. سال‌های پرتب‌وتاب نوجوانی او اگرچند در میان سفیر گلوله و جنگ و «جهاد» سپری شد اما بعد از آرامش نسبی‌ای که بر افغانستان حاکم شد او راه مهاجرت را در پیش گرفت و در سال ۱۳۷۲ به ایران کوچ کرد. یک سال بعد از آن با دختر عمه‌اش ازدواج کرد که حاصل آن یک عمر درس همدلی و تولد چهار دختر بود، دخترانی که حالا هرکدام در مسیر علم و آموزش در حرکت‌اند.

اگرچند زندگی در ایران تعدادی از دوستان او را به ایدئال‌های‌شان نزدیک می‌کند اما برای رجایی این اتفاق نمی‌افتد. او در ایران به کارهای متعدد فیزیکی، و از جمله خیاطی، رو می‌آورد. به همین دلیل، او نمی‌تواند درس بخواند. اما علاقه‌ی زایدالوصف او به کتاب و فرهنگ پای او را به یکی از جلسات شعرخوانی و نقد داستان افغان‌های مقیم در ایران می‌کشاند. او خبر برگزاری جلسات شعر و قصه را در روزنامه «همشهری» ایران

عباس اسدیان

چندین سال جنگ و ویرانی در افغانستان نتیجه‌ای جز آوارشدن افغان‌ها در گوشه‌وکنار جهان و نابودشدن پایه‌های زندگی در کشور نداشت. قریب به ۲۵ سال بعد از شروع جنگ‌های داخلی در افغانستان و در سال‌هایی که تازه ناتو و ایالات متحده امریکا به قصد نابودی گروه تروریستی طالبان و القاعده به افغانستان هجوم آورده بود، وضعیت برای تمام افغان‌ها به‌حدی آشفته و ناامیدکننده بود که کمتر کسی می‌توانست به‌غیر از نجات جان‌شان به چیزی دیگر فکر کنند. اما تعداد از افغان‌هایی که به کشور ایران آواره شده بودند، فکر دیگر در سر داشتند: کار برای فرهنگ و ادبیات، در این میان شور و شوق یکی از این آوارگان بیشتر از همه بود. وقتی او به دنیا آمده بود خانواده‌اش نام او را محمدرسور گذاشتند، بعدها صفت رجایی نیز به آن اضافه شد. و بعدتر از این‌ها او تبدیل به نبض تپنده افغان‌های مهاجر برای پرورش فرهنگ و ادب در ایران شد.

محمدرسور رجایی به تاریخ ۲۸ ماه اسد سال ۱۳۴۸ در کابل به دنیا آمد. طبق معمول در آن زمان نیز افغانستان در وضعیت مطلوب به‌سر نمی‌برد؛ به‌لحاظ اقتصادی، اقتصاد کشور با رکود مواجه شده بود و به‌لحاظ سیاسی نیز ظاهرشاه خودش را میان بلوک شرق و غرب می‌دید که برای سیطره بر جهان سخت باهم در رقابت بودند و ظاهرشاه آزادی عمل چندان نداشت. چندسال بعد از این وضعیت، جنگ‌های داخلی شروع شد و سرور رجایی نیز مانند بی‌شمار هم‌وطن و هم‌سن‌وسال جوانش مجبور شد به سنگرهای جنگ پناه ببرد. در سال ۱۳۶۳ به عضویت یکی از احزاب جهادی (حزب حرکت اسلامی) درمی‌آید و هم‌زمان کم‌وبیش به کارهای فرهنگی نیز مبادرت می‌ورزد. در کنار این، رجایی به حزب وحدت اسلامی افغانستان نیز علاقه‌مندی خاص داشته و

اولین و تنها فضانورد افغان، ۳۳ سال پیش با پیام صلح از فضا به زمین بازگشت

■ کارلوس زوروتوزا، دویچه وله
■ مترجم: شریفه عرفانی

دویچه وله با عبدالاحد مهنند، فضانورد سابق از افغانستان صحبت کرده است. او به یاد می‌آورد که زمین را از فضا، خانه‌ی همه‌ی انسان‌ها دیده است، بدون هیچ مرزبندی و کشوری.

عبدالاحد مهنند در کودکی آرزوی پرواز داشت، اما هرگز تصور نمی‌کرد که روزی به فضا برود. او در سال ۱۹۵۹ در سرده، روستایی دورافتاده در جنوب کابل به دنیا آمد. در سال ۱۹۸۸، اولین و تنها فضانورد افغان در ایستگاه فضایی میر روسیه شد.



او در دوران لیسه تصاویری از فضا را دید و به روزنامه‌ها و تلویزیون دسترسی پیدا کرد. در سال ۱۹۷۸، زمانی که در مؤسسه پلی‌تکنیک کابل درسی می‌خواند، کمونیست‌ها افغانستان را تصرف کردند. او برای آموزش نظامی در دانشگاه هوانوردی نظامی کراسنودار و کیف به اتحاد جماهیر شوروی سابق اعزام شد.

مهمند اکنون شهروند ۶۲ ساله‌ای در شهر اشتوتگارت در جنوب آلمان است. او در دوران لیسه تصاویری از فضا را دید و به روزنامه‌ها و تلویزیون دسترسی پیدا کرد. در سال ۱۹۷۸، زمانی که در مؤسسه پلی‌تکنیک کابل درس می‌خواند، کمونیست‌ها افغانستان را تصرف کردند. او برای آموزش نظامی در دانشگاه هوانوردی نظامی کراسنودار و کیف به اتحاد جماهیر شوروی سابق اعزام شد.

در بازگشت، مهنند قبل از پذیرش در آکادمی معتبر نیروی هوایی یوری گاگارین در مسکو به نیروی هوایی افغانستان پیوست.

سه سال بعد، او یکی از هشت نفر منتخب از بین ۴۰۰ داوطلب برای شرکت در «اینترکوسموس»، برنامه اتحاد جماهیر شوروی برای فرستادن فضانوردانی از کشورهای متحد شوروی به فضا، بود.

او همکاری از سراسر جهان را به یاد می‌آورد، کشورهایی مانند سوریه، مغولستان یا ویتنام. او در نهایت به‌عنوان سرباز افغان برای پیوستن به خدمه سایوز برای مأموریت ۹ روزه در ایستگاه فضایی میر انتخاب شد.

وی گفت: «باوجود سال‌ها مطالعه و آمادگی، تا زمانی که قرار نشده وارد فضاپیما شوید، نمی‌دانید که سرانجام رؤیای تان برای رفتن به فضا به حقیقت خواهد پیوست یا نه.»

سحرگاه ۲۹ آگوست ۱۹۸۸، مهنند در کیهان فضایی بایکونور در قزاقستان به همراه ولادیمیر لیاخوف اوکراینی و والرئ پولیاکوف روسی، به فضا پرتاب شد.

پیام صلح مهنند

مأموریت آن‌ها ساده به‌نظر می‌رسید: به ایستگاه فضایی میر متصل شوید، «برخی آزمایش‌های نجومی، بیولوژیکی و پزشکی»

مانع می‌شود که چنین رویداد اتفاق نیفتد. عطاالله حیران، عضو نهاد ملی افغان و یکی از حامیان جنبش تحفظ پشتون‌ها در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید فلسفه‌ی عدم تشدد از عبدالغفارخان است که منظوراحمد پشتین با استفاده از آن این حرکت مدنی را به راه انداخته است. اما در قسمت این که جنبش تحفظ پشتون‌ها در آن سوی مرز دیورند محدود نماییم، درست نیست. «ما در افغانستان با ناسیونالیسم مخالف هستیم. بلکه ما ناسیونالیسم افغان می‌خواهیم. جنبش تحفظ پشتون‌ها به این فکر است که حکومت پاکستان بر مبنای ناسیونالیسم پاکستانی عمل می‌کند و حقوق پشتون‌ها را رعایت نمی‌کند. ما در افغانستان در مسیر داعیه‌ی جنبش تحفظ پشتون‌ها روان هستیم، اما در اینجا جغرافیا فرق می‌کند. این‌جا یک ملت واحد وجود دارد، در حالی که در پاکستان یک ملت واحد وجود ندارد. بنابراین جنبش تحفظ پشتون‌ها برای افغان‌ها نیز است که بر علیه خشونت و جنگ صدا بلند کند. چنان‌که در بامیان مردم هزاره برای آزادی منظوراحمد پشتین صدا بلند کردند.»

آقای حیران می‌گوید در افغانستان مسأله فرق می‌کند. این‌جا یک ملت واحد به نام افغان وجود دارد که جنبش تحفظ پشتون‌ها نیز در راستای منافع همین ملت حرکت می‌کند. ولی با این‌حال نیاز به شکل‌گیری چنین جنبشی در داخل افغانستان و به‌خصوص در میان قوم پشتون احساس نمی‌شود. «این‌جا نیاز به چنین جنبش احساس نمی‌شود. یعنی PTM این اجازه را نمی‌دهد که اینجا کسی اقدام ناسیونالیستی کند. ما هم مخالف هستیم. ما این‌جا اردوی ملی و پولیس ملی داریم. ما به‌عنوان یک ملت واحد زندگی می‌کنیم. در این‌جا ما در غم همه‌ی اقوام شریک هستیم. پالیسی جنبش تحفظ پشتون‌ها نیز همین است که سیاست قومی را در افغانستان دامن نزنند. طرف مقابل جنبش تحفظ پشتون‌ها پنجابی‌ها قرار دارند. اما در این‌جا همه‌ی اقوام در غم و رنج همدیگر شریک هستند.»

گزارش

تبدیل به یک آدرس غیررسمی می‌شود که بیشتر از هر آدرس رسمی دیگر کار می‌کند. از این‌رو بی‌جا نیست که بعضی‌ها از او به عنوان «رایزن فرهنگی ایران در افغانستان» و «مدیر فرهنگی» نام می‌برند.

زندگی در ایران برای افغان‌ها آسان نیست؛ از مشکلاتی که فرآوری آموزش وجود دارد گرفته تا مشکلات اقامتی و بی‌شمار موارد دیگر. همین موضوعات باعث می‌شوند تا تعداد زیادی از افغان‌ها، و خصوصا دوستان نزدیک و همکاران رجایی، ایران را به مقصد کشور سوم ترک کنند. اما رجایی، باتوجه به آموزش‌های دینی و تجربیاتی که پشت‌سر گذاشته بود، ایران را به‌عنوان خانه‌ی دومش قبول می‌کند. دیبا رجایی، دختر محمدسرور رجایی، می‌گوید «پدرم باور داشت با مهاجرت به کشورهای اروپایی دین اسلام به فراموشی سپرده می‌شود، گرچه تا دو نسل دین اسلام حفظ می‌شود، اما نسل‌های دیگر نمی‌توانند دین اسلام را حفظ کنند.»

رجایی، باتوجه به علاقه‌مندی‌ای که داشت، به گردآوری خاطرات شهدای جنگ ایران و عراق می‌پردازد. همچنان او تلاش می‌کند تا نام و یاد آن‌عده از ایرانی‌هایی که در جنگ‌های داخلی افغانستان کشته شده بودند به فراموشی سپرده نشود.

رجایی، در آخرین روزهای عمرش روی مجموعه خاطرات هنرمندان مهاجر افغانستان که در ایران زندگی می‌کردند، کار می‌کرد. شاید دوستان رجایی می‌توانستند در مراسم رونمایی کتاب او شرکت کنند اما این اتفاق نیفتاد و در عوض همه در مراسم سوگواری او شرکت کردند. مرگ او تلخ و غم‌انگیز بود ولی او دوستانش را به لبخند زدن فراموشی نخواند؛ پیامی که چند روز قبل از هفتم ماه اسد و در حین گرفتن آخرین عکس یادگاری‌اش با خانواده و دوستانش برای آخرین بار تکرار شد: «لبخند مجانی است، پس همیشه لبخند بزنید.»

تابش فروغ، نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید بستر اجتماعی جامعه‌ی پشتون پاکستان آرمان‌ها و ایده‌آل‌های سیاسی متفاوتی نسبت به جامعه‌ی پشتون افغانستان دارند. این تفاوت‌ها زاده‌ی شرایط ویژه‌ای است که نقش جامعه‌ی پشتون را در متن مناسبات قدرت، فرهنگ و اجتماع پاکستان تعریف می‌کند. «از این‌رو روایت لرو بر یو افغان بیش‌تر از این‌که بخشی از مانیفست سیاسی جنبش حفاظت از پشتون‌ها باشد، تداوم یک نوستالژی تاریخی است. من تردید دارم که هسته‌ی سیاست‌گذار جنبش حفاظت از پشتون‌ها ندادند که جسیپین به این روایت سیاست‌زده و غیرکاربردی، کمکی به اجرایی‌شدن اولویت‌های استراتژیک جنبش حفاظت از پشتون‌ها نمی‌کند.» آقای فروغ به یکی از واقعیت‌های عینی جامعه پشتون در دو سوی مرز دیورند اشاره می‌کند و می‌گوید در این سوی مرز اکثریت زنان رنج‌دیده‌ی پشتون همانند سایر زنان افغانستان صاحب هویت مستقل حقوقی و نمایندگی از هویت خود نیستند. این‌جا مثلاً یک متفکر پشتون خودش را مستحق می‌داند که زیر نام دفاع از حق حاکمیت انحصاری پشتون‌ها بر افغانستان از نشانی زنان پشتون صدها هزار رأی تقلبی به صندوق بریزد و بی‌هیچ شرمی از آن دفاع کند. اما رهبران و نخبگان پشتون در آن سوی مرز برای تأمین عدالت و برابری شهروندی در جمهوری پاکستان دادخواهی می‌کنند. «در این سوی مرز اکثریت مطلق رهبران و نخبگان پشتون برای تداوم نابرابری، سلطه‌ی غیردموکراتیک، حذف هویت‌های مستقل قومی و اعاده‌ی هژمونی بلائید و شرط پشتون‌ها چه با زور شلاق طالبانی و یا دیوان و دفتر بروکرات‌های پشتون می‌جنگند، فرصت‌سوزی می‌کنند و از پذیرش قواعد دموکراتیک و مدنی جهت دستیابی به مشروعیت سیاسی سر باز می‌زنند.» فروغ باور دارد که نیاز به همچون جنبش مدنی در این سوی مرز دیورند به‌شدت احساس می‌شود، اما اراده‌ی سیاسی رهبران و نخبگان پشتون

انتخاب محمدرسور رجایی) اشاره نمود.

علاوه بر این، محمدرسور رجایی مسئولیت‌های مهمی را در حوزه کارهای فرهنگی به عهده داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از «مدیریت خانه ادبیات افغانستان»، «مدیر مسئول مجله کودکان و نوجوانان افغانستان (باغ)»، «دبیر چهار دوره همایش فرهنگی-هنری «روایت همدلی»، «عضو هیأت تحریر مجله ادبی «فرخار»، «عضو هیأت تحریر مجله «طراوت»، «عضو هیأت تحریر ماهنامه دانش‌جویی «عصر نوین»، «مدیر مسئول و سردبیر دو هفته‌نامه ورزشی «تندرستی»، «مدیر اجرایی فصل‌نامه «روایت» و «عضو هیأت تحریر مجله فرهنگی-تحلیلی «راه». در این راستا او به افتخاراتی چون مقام اول گزارش‌نویسی سومین جشنواره نشریات تجربی شهرستان ری در سال ۱۳۸۱، مقام اول گزارش‌نویسی جشنواره نشریات دانش‌جویی دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۸۴، عکاس برگزیده در دومین جشنواره عکس کودک، آینه معنویت- در سال ۱۳۸۶ و قرارگرفتن در جمع ده خبرنگار برتر ایران از سوی انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان ایران در سال ۱۳۸۷ نیز دست می‌یابد.

خانه ادبیات افغانستان

شانزده سال قبل از امروز وقتی تعدادی از مهاجران قلم‌به‌دست افغانستان در ایران «خانه ادبیات افغانستان» را تأسیس کردند سرور رجایی جزو اعضای مؤسس آن نبود، اما جدیت و تلاش او برای بهتر شدن این نهاد آن‌قدر تأثیرگذار و مفید واقع می‌شود که تصور خانه ادبیات بدون رجایی اندکی دشوار و غیرمنصفانه می‌نماید. او برای سال‌های طولانی مدیریت کارهای اجرایی این نهاد را به عهده گرفت و هفت دوره جشنواره معتبر «قند پارسی» را، که از آدرس خانه ادبیات افغانستان برگزار می‌شود، مدیریت کرد. مضاف بر این، او برای افغان‌هایی که دغدغه کار فرهنگی داشتند



وی گفت: «کشور تقسیم شد: یک ولایت برای هر فرمانده جنگی که همه در تبعیت از دستور حامیان خارجی مربوطه که مانند امروز در امور افغانستان دخالت داشتند، با یکدیگر مبارزه می‌کردند. آن‌ها کشور را خراب کردند و افراد زیادی کشته شدند.» مهنند، اکنون در آستانه بازنشستگی، به‌عنوان حسابدار شرکتی در اشتوتگارت کار می‌کند و با همسر و سه فرزندش زندگی را می‌گذراند.

هر از گاهی او را به کنفرانسی دعوت می‌کنند. او می‌گوید، این تنها ارتباط او با زندگی گذشته‌اش است.

او در اپریل ۲۰۱۳ بار دیگر به دعوت حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین، به منظور تجلیل از بیست‌وپنجمین سالگرد ماجراجویی فضایی خود پا به افغانستان گذاشت. در طول استقبال، او مجدداً پیام صلح را که در سال ۱۹۸۸ از فضا به مردم افغانستان فرستاده بود، خواند. پیامی که امروز نیز مانند گذشته اهمیت دارد.

حزب الله لبنان از پرتاب چندین موشک به مواضع اسرائیل خبر داد

اطلاعات روز: حزب الله، گروه شبه نظامی لبنان از پرتاب چندین موشک به نزدیکی مواضع اسرائیل در منطقه مرزی مورد مناقشه دو کشور خبر داده است.

این گروه گفته که هدف زمین‌های واقع در منطقه مزارع شبعا بوده است.

به نقل از بی بی سی فارسی، اسرائیل هم گفته که دست کم ده موشک شلیک شده که اکثر آن‌ها را پدافند هوایی این کشور رهگیری کرده است. اسرائیل با آتش توپخانه به این حملات موشکی حزب الله پاسخ داده است.

هنوز گزارشی از میزان تلفات در دو طرف مرز منتشر نشده است.

حزب الله گفته که این حملات به تلافی حملات هوایی روز گذشته اسرائیل به جنوب لبنان انجام شده است.

این اولین بار از سال ۲۰۱۹ است که حزب الله به مواضعی در خاک اسرائیل حملات موشکی می‌کند.

در مقابل اسرائیل گفته که حملات هوایی اخیر این کشور در واکنش به موشک پرنای‌های قبلی حزب الله صورت گرفته است.

اسرائیل روز گذشته اعلام کرد که برای اولین بار در هفت سال گذشته حملاتی هوایی به خاک لبنان داشته است.

در پی این حملات، خبرنگار خبرگزاری فرانسه در جنوب لبنان از شنیده شدن چند انفجار و برخاستن دود در نزدیکی مزارع شبعا در جنوب لبنان خبر داد.

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل که در مناطق مرزی مستقر هستند در بیانیه‌ای خواستار «آتش بس و حفظ آرامش از سوی طرفین» شده و گفته‌اند: «این وضعیتی بسیار خطرناک است و اقداماتی تشدید کننده در دو روز گذشته در دو طرف دیده شده است».

آخرین حملات هوایی اسرائیل به لبنان قبل از روز گذشته به سال ۲۰۱۴ برمی‌گردد که جنگنده‌های اسرائیل به منطقه‌ای در نزدیکی مرز سوریه حمله کردند.

اسرائیل آخرین بار پایگاه‌های حزب الله در جنوب لبنان را در جریان درگیری‌های شدید در سال ۲۰۰۶ هدف قرار داد. در آن سال اسرائیل مستقیماً با حزب الله وارد جنگ شد.



اطلاعات روز: شرکت کنندگان در یک راهپیمایی بزرگ در تورنتو کانادا خواهان اجرای عدالت درباره پرونده سرنگونی هوایمی اوکراینی با موشک‌های سپاه شدند.

به گزارش بی بی سی فارسی، این تجمع، به وقت تورنتو، پنج‌شنبه ۱۴ اسد ساعاتی پس از برگزاری مراسم تحلیف ابراهیم ریسی، رئیس‌جمهور جدید ایران برگزار شد.

باز کردن پرونده‌ی جنایی توسط پلیس فدرال کانادا، پایان دادن هر چه زودتر به مذاکراتی که بی نتیجه بوده و بردن این پرونده به سازمان جهانی هوانوردی غیرنظامی، ایکائو، از خواسته‌های مطرح شده در این تظاهرات بود.

معتراضان به روند پرونده هوایمی اوکراینی می‌گویند که اگر به خواسته‌هایشان نرسند هفته‌های دیگر هم در شهر تورنتو تظاهرات برگزار خواهند کرد.

تظاهرات دادخواهی به دعوت «انجمن خانواده‌های جانبازان پرواز پی‌اس ۷۵۲» انجام شد و به گفته شاهدان یکی از بزرگترین تجمعات در شهر تورنتو بوده است.

در بخشی از این تجمع شرکت کنندگان با مهران امینیان، آهنگساز و نوازنده مقیم کانادا هم صدا شدند و فریاد «نه فراموشی، نه بخشش» را در مرکز تورنتو طنین انداز کردند.

حامد اسماعیلیون، در راهپیمایی دادخواهی تورنتو با اشاره

راهپیمایی بزرگ «دادخواهی برای قربانیان هوایمی اوکراینی» در تورنتو

به عضویت ابراهیم ریسی، رئیس‌جمهور جدید ایران در شورای عالی امنیت ملی هنگام هدف قرار دادن هوایمی اوکراینی، با انتقاد از حضور نماینده اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف، گفت: «امروز سؤال این است که نماینده اتحادیه اروپا در ضیافت تاریکی و جنون چه می‌کند؟»

آقای اسماعیلیون گفت: «ابراهیم ریسی، علی شمخانی، حسین سلامی، محمدحسین باقری، جواد ظریف، علی خامنه‌ای و دیگران در لیست تحریم‌های کشور کانادا قرار ندارند؟ چرا سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی نیست؟ آیا ۴۳ سال جرم و جنایت کافی نیست؟»

در بیانیه درباره تعلیق پروازها در هنگام برگزاری مراسم تحلیف رییس‌جمهور در ایران آمده است: «جنایت هوایمی اوکراینی که در آن ۱۳۸ مسافر کانادا جان باختند توسط این افراد برنامه‌ریزی شده است. همین امروز و برای حفظ امنیت مراسم تحلیف پروازهای تهران را قطع کردند اما در شرایط جنگی جان انسان‌های بی‌گناه کوچکترین اهمیتی نداشت.»

پرواز شماره ۷۵۲ اوکراین، صبح چهارشنبه ۱۸ جدی ۱۳۹۸ (هشت جنوری سال ۲۰۲۰) دقایقی بعد از بلند شدن از فرودگاه بین‌المللی امام خمینی در نزدیکی تهران سقوط کرد.

ایران بعد از سه روز انکار، سرانجام اذعان کرد که پدافند سپاه پاسداران «در اثر خطای انسانی» این هوایمی را هدف گرفته و سرنگون کرده است. تمامی ۱۷۶ سرنشین هوایمی کشته شدند.

۵۷ نفر از قربانیان شهروند کانادا هم بودند.

دولت کانادا روز ۲۴ جون در گزارشی سرنگونی هوایمی اوکراینی در ماه جنوری ۲۰۲۰ بر فراز تهران را محصول یک رشته بی‌مبالاتی، بی‌لیاقتی و بی‌ملاحظگی عمدی نسبت به جان انسان‌ها از سوی مقام‌ها (ایرانی) دانست.

پیشتر سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارش مفصلی از آزار، تهدید و فشار بر خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمی اوکراینی که با موشک‌های سپاه پاسداران ساقط شد، خبر داد و از همه کشورهای درگیر این پرونده خواست تا حفظ حقوق خانواده قربانیان را تضمین کنند.

اخراج دو مربی بلاروس از المپیک برای مجبور کردن دوندۀ سرعت به بازگشت به کشور



بررسی این مسئله تشکیل شده و به هر دو مربی «فرصت داده می‌شود تا صحبت‌هایشان شنیده شود».

به گزارش خبرگزاری رویترز، توماس باخ، رییس کمیته بین‌المللی المپیک در کنفرانسی خبری که امروز برگزار شد، گفت که این کمیته «خوشحال است» که خانم تیمانوسکایا در لهستان در سلامت بسر می‌برد و آن چه را که برای این ورزشکار اتفاق افتاد «تاسف‌آور» خواند.

رویترز از وزارت خارجه ژاپن نقل کرده که این «ناعادلانۀ و غیرقابل قبول» است که مقامات بلاروس به یک ورزشکار برای بازگشت به کشور فشار بیاورند.

برای ورزشکار دوی سرعت چه اتفاقی افتاد

برکناری خانم تیمانوسکایا از تیم ملی بلاروس پس از آن صورت گرفت که این دوندۀ سرعت در ویدیویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، گفت که در فرصتی کوتاه از او خواسته شده که در مسابقات دوی ۴۰۰ متر امدادی شرکت کند به این دلیل که برخی از هم تیمی‌هایش برای شرکت در این مسابقه واجد شرایط نیستند و او از این مسئله شاکی است.

این ویدیوی خانم تیمانوسکایا، انتقاد رسانه‌های دولتی بلاروس را به همراه داشت و حتی یکی از شبکه‌های تلویزیونی هم گفت که او فاقد روحیه تیمی است.

خانم تیمانوسکایا گفت که بعد از این ویدیو دو مربی به اتاق او آمدند و به او گفتند که فوراً چمدان‌هایش را ببندد و آماده بازگشت به کشور شود. از او خواسته شد که بگوید به دلیل مصدومیت مجبور به بازگشت به کشور شده است.

این دوندۀ سرعت در گفتگویی با بی‌بی‌سی گفت هفته گذشته در راه فرودگاه بود که مادر بزرگش پس از دیدن

اطلاعات روز: دو مربی بلاروس به دلیل تلاش برای مجبور کردن یک ورزشکار این کشور به ترک بازی‌های المپیک توکیو، مجوز حضور در المپیک را از دست دادند.

کمیته بین‌المللی المپیک تایید کرده که آرتور شیماک و یوری مایسویچ، دهکده المپیک را ترک کرده‌اند.

تحقیقاتی در این مورد در حال انجام است.

به گزارش بی بی سی فارسی، پرونده کریستینا تیمانوسکایا دوندۀ ۲۴ ساله بلاروس پس از امتناع از دستورات تیمش در مورد ترک بازی‌های المپیک و بازگشت به کشور توجه جهانیان را به خود جلب کرده است.

خانم تیمانوسکایا در حال حاضر در لهستان است، جایی که به او ویزای بشردوستانه داده شده است.

این پرونده بار دیگر بلاروس را در کانون توجهات قرار داده است. کشوری که از سال ۱۹۹۴ تحت حکومت الکساندر لوکاشنکو اداره می‌شود. سال گذشته، اعتراضات سراسری در این کشور به دلیل انتخاب مجدد او به ریاست‌جمهوری با خشونت نیروهای امنیتی سرکوب شد.

بلاروس می‌گوید که خانم تیمانوسکایا به دلیل وضعیت روحی که داشت از تیم ملی کنار گذاشته شد. این در حالی است که این دوندۀ گفته‌که چنین چیزی صحت ندارد و علت حذفش از تیم ملی این بود که در اینستاگرام درباره «سهل انگاری مربیان» صحبت کرده است.

کمیته بین‌المللی المپیک در بیانیه‌ای اعلام کرد که مجوز حضور این دو مربی را به عنوان «اقدامی موقت... به منظور رفاه حال ورزشکاران کمیته ملی المپیک بلاروس که هنوز در توکیو هستند» لغو کرده است.

این کمیته همچنین گفته که یک کمیته انضباطی برای

و بازداشت شدند.

اما خانم تیمانوسکایا اصرار دارد که «سیاسی نیست» و فقط می‌خواهد که روی فعالیت‌های ورزشی خود تمرکز کند.

او می‌گوید: «هیچ چیز در مورد سیاست نمی‌دانم. من هرگز در سیاست حضور نداشتم.»

این دوندۀ سرعت به بی‌بی‌سی گفت که می‌خواهد به بلاروس بازگردد، اما در حال حاضر چنین چیزی برایش خیلی خطرناک است.

همسر این ورزشکار هم از بلاروس گریخته و به وی ویزا لهستان داده شده است. اما سایر وابستگانش همچنان در بلاروس هستند.

گزارش‌های خبری در این مورد به او هشدار داد که بازگشت به کشور برایش امن نیست.

در فرودگاه توکیو، خانم تیمانوسکایا برای این که سوار هواپیما نشود از مأموران درخواست کمک کرد.

خانم تیمانوسکایا قبل از انتقال به سفارت لهستان در توکیو، تحت حمایت پلیس قرار گرفت. او دو روز پیش وارد لهستان شد.

در اعتراضات گسترده سال گذشته در بلاروس پلیس برای مقابله با معترضان به خشونت متوسل شد و هزاران نفر را دستگیر کرد.

برخی از معترضان، ورزشکارانی در سطح تیم ملی بودند که بودجه آن‌ها قطع شد و از تیم ملی کنار گذاشته شده

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

• واعد روحانی، فریضه عالمی و سکینه امیری

• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرزی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: محمدرضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۶۹۷۳۵۷۷۷

توزیع: کلون فرهنگي زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷

مهاری کرونا با «اجباری کردن» و آگاهی دهی درباره اهمیت واکسین ممکن است

هادی خوش‌نویس

حدود دو ماه بعد از شروع شدن پروسه واکسیناسیون عمومی کووید ۱۹ در امریکا، وزارت صحت عامه می کشور از به دست آوردن اولین محموله واکسین کرونا در ۱۹ دلو ۱۳۹۹ خبر داد و برنامه واکسیناسیون عمومی کووید ۱۹ در ۵ حوت سال گذشته با تزریق واکسین به نیروهای امنیتی و خبرنگار طلوع‌نیوز «انپسه شهید» شروع شد. در بیشتر از پنج ماه که از آغاز واکسیناسیون عمومی کووید ۱۹ می‌گذرد اما استقبال مردم از واکسین کرونا اندک بوده است. دلیل استقبال اندک مردم از واکسین کرونا شایعات و اتفاقاتی است که روزانه با آن می‌خورند؛ شایعاتی مثل «واکسین پروژی طراحی شده برای عقیم‌سازی مسلمانان است» یا خبری در مورد دانشجوی دانشگاه پولی تخنیک که گفته می‌شود بر اثر تزریق واکسین فوت کرده بر صف مخالفان واکسین افزوده است.

دولت و وزارت صحت عامه برای استقبال بیشتر مردم از واکسین کرونا، تزریق این واکسین را در سراسر کشور اجباری کرده و وزارت تحصیلات عالی به دانشجویان دانشگاه‌ها اعلان کرد در صورتی که واکسین نزنند اجازه‌ی ورود به نهادهای تحصیلی را ندارند.

پزشکان اما دلیل استقبال اندک مردم از واکسین کرونا را متوجه دولت می‌دانند و می‌گویند که وزارت صحت عامه علاوه بر تزریق واکسین باید به مردم در این قسمت آگاهی دهی کند.

از ۱۵ نفری که با روزنامه اطلاعات روز صحبت کرده است ۱۰ نفر آن علاقه‌ای به استفاده از واکسین کرونا ندارند، دو نفر واکسین کرونا را دلیلی برای مهاری کرونا می‌دانند و سه نفر دیگر آن می‌گویند که مردم هستند و تصمیم برای گرفتن یا نگرستن واکسین ندارند.

بر اساس آمار وزارت صحت عامه از آغاز واکسیناسیون عمومی کرونا تا حالا در حدود یک میلیون ۵۰۰ هزار نفر «ملکی» واکسین کرونا دریافت کرده است.

«اگر به گذشته برگردم واکسین نمی‌گیرم»

محمدنقی رستمی مایل نیست واکسین کرونا بزند و تزریق آن را هم به کسی توصیه نمی‌کند. به باور او واکسین کرونا چیزی جز یک تجارت نیست و هر کسی هم می‌خواهد مقاومت وجودش را در برابر کرونا بالا ببرد به جایی استفاده از واکسین کووید ۱۹ از داروهای ساده یونانی و ویتامین‌های طبیعی مصرف کرده و از دستورالعمل‌های بهداشتی و پزشکی پیروی کند: «تابودی کرونا ناممکن است و این بیماری ماندنی. باید زندگی خود را با آن هماهنگ کنیم. شهروندان کشورهای قدرت‌مند کرونا را جنگ بیولوژیکی می‌دانند که قصدش کاهش جمعیت است. بشر بدون



گرفته شود می‌تواند مردم را به واکسین‌زدن تشویق کند و این کار از نگرانی مردم نسبت به مشکلاتی که ممکن است واکسین کرونا برای‌شان خلق کند می‌کاهد: «تا زمانی که در قسمت واکسین کرونا فرهنگ‌سازی نشود مردم به ضررهای جزئی ناشی از زدن واکسین فکر می‌کنند و حق هم دارند چون در مورد اهمیت واکسین آگاهی‌دهی نشده است. در مکاتب به دانش‌آموزان در مورد اهمیت واکسین معلومات بدهند تا آن‌ها به نکرده و از اهمیت واکسین صحبت نکنیم بسیار مشکل است که کسی واکسین بزند. تا هنوز نشنیدیم که وزارت صحت عامه علیه تبلیغات منفی در مورد واکسین کرونا واکنش نشان داده باشد و در مورد اهمیت واکسین تبلیغ کرده باشد.»

آقای رموزی می‌گوید: «با اجباری شدن واکسین، زنجیره شیوع بیماری کرونا از بین می‌رود. اما اگر یکی واکسین بزند و یک نزنند، آن‌که واکسین گرفته معافیت دارد و فردی که نزنده ناقل بیماری به دیگران است. به قول پزشکان چیزی صددرصدی نیست. احتمال دارد صفر اعشاریه یک هزارم درصد آن چیز عوارض داشته باشد. امروز عوارض بسیار جزئی واکسین توسط رسانه‌ها بولد می‌شود و همه می‌ترسد. اگر واکسین کرونا اجباری نشود زنجیره شیوع آن سال‌های سال باقی می‌ماند.»

وزارت صحت عامه عدم استقبال مردم از واکسین کرونا را وابسته به «برخورد حسنی و سنتی» می‌داند و خواهان برخورد درست مردم با این واکسین است. آمار این وزارت از افزایش قابل ملاحظه‌ای متقاضیان واکسین در موج سوم کرونا خبر می‌دهد؛ در زمان شروع واکسیناسیون عمومی در ۵ حوت سال گذشته تعداد مراکز توزیع واکسین در کابل ۱۳ مرکز بود و تعداد این مراکز حالا به ۳۵ تا می‌رسد.

از ۱۹ دلو ۱۳۹۹ که اولین محموله واکسین کرونا به کشور رسید تا حالا چهار میلیون و ۷۹۲ هزار واکسین توسط کشورهای مختلف و سازمان کوواکس به کشور کمک شده که از این میان سه میلیون و ۲۹۲ هزار آن به کشور رسیده است: «۹۶۸ هزار دوز واکسین استرازنکا طی دو مرحله به کشور رسید؛ ۵۰۰ هزار دوز در مرحله اول توسط هند و ۴۶۸ هزار دوز در مرحله دوم توسط سازمان کوواکس و جدیداً ۱۲۴ هزار دوز دیگر جدیداً توسط سوئیدن به کشور کمک شد. ۷۰۰ هزار دوز واکسین سینوفارم توسط چین کمک شد که تطبیق شد. ایالات متحده سه میلیون دوز واکسین جانسون و جانسون به کشور کمک کرد که یک میلیون و ۵۰۰ هزار دوز آن به کشور رسیده است.»

دولت با اختصاص دادن ۳۲۵ میلیون دالر قصد دارد ۴۰ میلیون واکسین برای کل جمعیت کشور تهیه کند تا معافیت کلی در کشور ایجاد شود.

مهاری کرونا با «اجباری کردن» و آگاهی دهی در مورد اهمیت واکسین

۱۹ دلو ۱۳۹۹ اولین محموله واکسین کرونا به کشور رسید و ۵ حوت آن سال پروسه واکسیناسیون عمومی با اعلان «برنامه معافیت کتلی افغانستان» و تزریق اولین واکسین به رئیس‌جمهور در ارگ رسماً آغاز شد. اما هر چه زمان گذشت استقبال مردم بیشتر نه که کم‌تر شد. آمار وزارت صحت عامه می‌گوید که در بیشتر از پنج ماه از آغاز واکسیناسیون عمومی، در سراسر کشور حدود یک میلیون ۵۰۰ هزار نفر «ملکی» واکسین دریافت کرده‌است. به گفته‌ی مسئولان وزارت صحت

مراجعه‌ی مردم تنها در موج سوم کرونا - که هنوز فروکش نکرده - افزایش یافته است. دولت چندی قبل برای افزایش استقبال مردم و مهاری کرونا در کشور، اعلان کرد که زدن واکسین کرونا برای هر فرد اجباری است و این برنامه از دانشگاه‌ها آغاز شد. عثمان طاهری، معاون سخن‌گوی وزارت صحت عامه می‌گوید: «دانشجویان باید واکسین بگیرند چون آن‌ها بیشترین منبع انتشار ویروس هستند. بابت یک سری مشکلاتی که وجود دارد نباید نگران باشند. در ۱۰۰ هزار نفر، احتمال دارد یک نفر حساسیت داشته باشد. دلیل فوت آن دانشجوی دانشگاه پولی تخنیک واکسین کرونا نه بلکه مشکلات قبلی خود او بود.»

عباس‌علی رموزی، استاد دانشکده‌ی پزشکی «اجباری کردن» واکسین را کوتاه‌ترین و بهترین راه مهاری کرونا می‌داند. به باور او دولت مقصر استقبال اندک مردم از واکسین کرونا است. این استاد دانشگاه می‌گوید وزارت صحت عامه برای تشویق مردم به این واکسین، باید از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی در مورد اهمیت واکسین کرونا به آن‌ها معلومات بدهد. آقای رموزی می‌گوید دایر کردن میزگرد در رسانه‌ها با حضور پزشکان و مسئولان امور که در آن اهمیت واکسین کرونا به بحث

«جانسون و جانسون» ۹ روز بعد از تزریق آن نمایان می‌شود نه در همان روز تزریق. اما این دلیل هم مردم را قانع نکرده که واکسین کرونا بگیرند.

نوید حیدری دانشجوی دانشگاه پولی تخنیک - کابل است. نوید می‌گوید که به «زور» واکسین کرونی «جانسون و جانسون» را تزریق کرده است و با وجودی که واکسین عوارض جدی برایش خلق نکرده اما اگر به گذشته برگردد حاضر به تزریق واکسین نیست. نوید از تلاش بی‌ثمر برای به دست آوردن کارت واکسین بدون این‌که آنرا تزریق کند سخن می‌زند و اگر کارت واکسین را به دست می‌آورد هرگز واکسین را دریافت نمی‌کند، چون بدون داشتن کارت واکسین، دانشجویان اجازه‌ی ورود به دانشگاه را ندارند: «دانشجوی سال چهارم دانشگاه ما با واکسین حساسیت داشت و یک روز بعد از تزریق واکسین خودش لخته شد و فوت کرد. از داکتران تزریق‌کننده خواستیم بدون واکسین زدن، کارتش را بدهد گفتند اجازه ندارند که این کار را بکنند. اگر زدن واکسین اختیاری باشد به کسی زدن آنرا توصیه نمی‌کنم. بخش دیگری که نسبت به واکسین بدبین باشم به شایعاتی بر می‌گردد که در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌شود.»

ستاره رهیاب دانشجوی دانشگاه تعلیم و تربیه «شهید ربانی» می‌گوید در صورتی واکسین کرونا را دریافت می‌کند که اجباری باشد و بدون آن اجازه ورود به دانشگاه را نداشته باشد. خانم رهیاب اضافه می‌کند که اگر زدن واکسین اجباری نباشد دوست ندارد واکسین دریافت کند: «به خاطر عواقب واکسین می‌ترسم و این که ممکن است مشکلی برایم خلق کند. اگر برای اجازه ورود به دانشگاه و درس واکسین اجباری باشد ترجیح می‌دهم واکسین بزنم تا این که از درس محروم شوم. چون درس همه‌چیز است.»

استفاده از اعمال شیطان‌صفت، به جایی کم‌کردن جمعیت آنرا تنظیم کند و با علم بیوتکنولوژی می‌توانیم محصولات کشاورزی را بیشتر کنیم.»

دانشگاه پولی تخنیک - کابل یکی از دانشگاه‌های کشور است که در آن واکسین‌زدن «اجباری» است و بدون آن به کسی اجازه‌ی ورود به این دانشگاه داده نمی‌شود. این دانشگاه بعد از آن‌که روز یکشنبه (۱۰ اسد ۱۴۰۰) طی یک پستی فیسبوکی اعلان کرد یک دانشجویی بعد از تزریق واکسین کرونی «جانسون و جانسون» فوت کرده سبیل از اعتراض به «اجباری بودن» واکسین زیر به‌سوی این دانشگاه سرآزیر شد. از میان ۲۰۸ نفری که زیر پست مربوط به فوت دانشجوی این دانشگاه نظر داده بودند اکثریت آن‌ها به اجباری بودن واکسین معترض‌اند.

در صفحه فیسبوک دانشگاه پولی تخنیک در مورد فوت محمدعزیز فرزند محمدانور که دانشجوی سال چهارم این دانشگاه بود گفته شده که او ساعتی پس از تزریق واکسین دچار «سردردی، قرمز شدن چشم‌ها، حالت تهوع، کسالت و درد عضلات» شده و به شفاخانه رایل انتقال داده شد. در اعلامیه این دانشگاه از نتایج معاینات هم‌توکرات (۵۶ درصد) این فرد سخن گفته شده که به مراتب بالاتر از حد نورمال بوده است: «مریض بعد از معاینات با داروهای که تجویز شده بود از شفاخانه مرخص می‌شود اما با خراب شدن حالش دوباره به شفاخانه مراجعه کرده و با داروهای تقویتی به خانه می‌گردد. محمدعزیز دو روز بعد با ظهور علائم سردردی، قرمزی چشم، کسالت، تهوع فوت می‌کند.»

در پایان اعلامیه این دانشگاه گفته شده که علت مرگ دانشجوی آن‌ها، بیماری قبلی بوده است چون لخته‌شدن ناشی از واکسین

دعوت به داوطلبی روش باز داخلی

اعلان تمدیدی

قبلا در شماره (۲۱۹۲) مورخ ۱۹ سرطان ۱۴۰۰ روزنامه اطلاعات روز اعلان داوطلبی پروژه ذخیره آب واقع قریه گورسال ولسوالی واما و پروژه ذخیره آب قریه نشتگرام ولسوالی وایگل ولایت نورستان با کود نمبر MAIL/PD/NCB/W/293-1/1400-MAIL/PD/NCB/W/293-2/1400 مربوط وزارت زراعت، آبیاری و مالداری به نشر رسیده بود که تاریخ آفرگشایی پروژه متذکره از تاریخ ۱۶ اسد ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به تاریخ ۱۶ سنبله ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر تمدید گردیده است، داوطلبان محترم مطلع باشند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

Annual

120\$ USD

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

درامدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۳)

د

به خاطر بیاورید، میلیون‌ها سرباز به جنگ می‌روند و کاملاً آماده‌اند که جان‌شان را به خطر بیندازند، غالباً برای اهداف مشکوک. آیا ما نباید آماده باشیم که مانند این سربازان جان خود را به خطر بیندازیم؟ شجاعت ما قدرت تغییر آوری به مراتب بزرگتر از نیروی مسلح به وجود می‌آورد.

مقابل به ندای ما (حداقل به صورت محسوس) جواب نمی‌دهد. اما ما هنوز تمامی منابع خود را بر مبنای اصل عدم خشونت از دست نداده‌ایم. اگر ما نمی‌توانیم با بی‌عدالتی زندگی کنیم می‌توانیم برای نجات از آن زندگی خود را در معرض خطر قرار دهیم. من این واژه‌ها را به‌دقت انتخاب کرده‌ام. انتخاب گزینه‌ی مردن این نیست که برای بیدار کردن مخالف خیره‌سر خود بخواهیم حیات خود را به خطر اندازیم. بلکه مردن این است که یا طرف به هدف ما تن در می‌دهد و یا می‌میریم. برای مثال در مرحله نهایی مبارزه برای آزادی هندوستان از این روش استفاده شد و مؤثر واقع شد.

دو چیز هست که باید در ذهن خود داشته باشیم. نخست، مقاومت مبتنی بر عدم خشونت چیزی است که در کل مصنوعی‌تر از خشونت است. واقعا هیچ کسی در صلح‌بانی مدنی غیرمسلحانه نمرده است، در حالی که میلیون‌ها نفر در روش‌های «متعارف» نزاع، که عمدتاً مسلحانه‌اند، مرده‌اند. دوم، اگر ما به سوی مقاومت مبتنی بر عدم خشونت، به این دلیل برویم که مصنوعی‌تر است، آن را از قدرت نهفته در آن تجرید کرده‌ایم. قدرت کامل مقاومت مبتنی بر عدم خشونت، وقتی ظهور می‌کند که ما آن را به این دلیل که آنرا درست می‌دانیم انجام دهیم و قیمت آنرا محاسبه نکنیم. به صورت واضح به میزانی که منحنی در نمودار ما افزایش می‌یابد، ما شدیداً برای ورود به مرحله منازعه عملی نزدیک می‌شویم، اما با داشتن گزینه‌های بیشتر، برای حل آن متحمل

کنید جانب دیگر حداقل ممکن است بشنود. آن‌ها ممکن است شما را دوست نداشته باشند، اما هنوز قبول دارد و می‌داند که شما جزو مردم هستید. ابزاری چون مذاکره، میانجیگری و با مدیریت خوب جانب سوم نقش این ابزارها به خوبی شناخته شده می‌باشد و نیاز به توضیح زیاد ندارد.

مرحله دوم: ساتیاگراها. لیکن همان‌گونه که همه می‌دانیم منازعات همیشه به این‌گونه که توضیح آن گذشت، قابل مدیریت نیستند. همین‌طور که منازعه شدت می‌یابد مرحله‌ی نو پدید می‌آید (غالباً خوب و واقعی) که در آن‌ها اگر بخواهیم قناعت کسی را از طریق استدلال به دست آوریم به دست نمی‌آید. در این مراحل است که ساتیاگراها تأثیرگذاری خود را کاملاً به دست می‌آورند. این بدان معناست که برخی از رنج‌ها را به جای این که آن را در کاسه دیگران بگذاریم، به منظور بیدار کردن جانب مقابل خود بر دوش بگیریم. درست آن‌گونه که گاندی آموزش می‌دهد «چیزهایی دارای اهمیت برای مردم تنها از راه استدلال تأمین نمی‌شود، بلکه باید از طریق تحمل رنج آن‌ها را خرید و به دست آورد... اگر شما می‌خواهید چیزی واقعا مهم به دست آید، صرفاً به راضی‌ساختن عقل بسنده نکنید، بلکه باید برای راضی‌ساختن دل نیز تلاش کنید.»

گاندی به درستی این سنخ از سلوک مقاومتی را، «قانون رنج کشیدن» می‌نامد - رنج کشیدن خواه مقاومت در برابر بدرفتاری فیزیکی باشد و یا کنار گذاشتن رفاه باشد و یا هر چیز دیگر. بخشی مهم از متقاعدسازی طرف مقابل در منازعه است که با توسل به مقاومت مبتنی بر عدم خشونت، در بسیاری از منازعات جدی و خطیری به کار گرفته می‌شود.

مرحله سوم: قربانی نهایی. مرحله سوم در واقع امتداد مرحله دوم است، لیکن در این مرحله میزان رنجی را که باید تحمل کرد به قیمت حیات و یا مرگ سخت ممکن است تمام شود. ما فنون معمولی و متعارف ساتیاگراها را - از قبیل اعتصاب، سرپیچی از دستورات، نافرمانی مدنی و مانند آن - به کار می‌بریم. اما طرف

مایکل ان. ناگلر

مترجم: محمدامین احمدی

ابزارهای صواب: علم به این که در کجا قرار داریم

وقتی که از معلم عامه‌پسند بودایی ویتنامی تیچ‌نات هان پرسیده شد که مراد خود از «بودیسم درگیر/آیین بودایی فعال اجتماعی» را توضیح دهد، جواب داد که بودیسم درگیر، فقط بودیسم است. شما نمی‌توانید امروزه، در تعهد به ارزش‌های معنوی، صادق باشید مگر این که فعلاً در جهت تحقق این ارزش‌ها در جهان غیرصلح‌آمیز کنونی کار کنید. هر چند که باور قلبی داشتن به این ارزش‌ها نیز عاملی خوب برای سوق دادن به سمت راه راست است، چون که ما مانند خلبان‌های ماهر، نیازمندیم که بدانیم چگونه اعمال بعدی خود را هدایت کنیم. از خطر زمینه‌ی منازعه آگاهی داشته و بدانیم که چگونه نیرو و قوت نهفته در مقاومت عاری از خشونت را برای رسیدن به هدف به حرکت آورد. چه وقت و در چه شکل و قالب از مقاومت عاری از خشونت استفاده کنیم؟ به این پرسش‌ها می‌کوشم در این بخش جواب دهم.

چه مقدار عدم خشونت کافی است؟

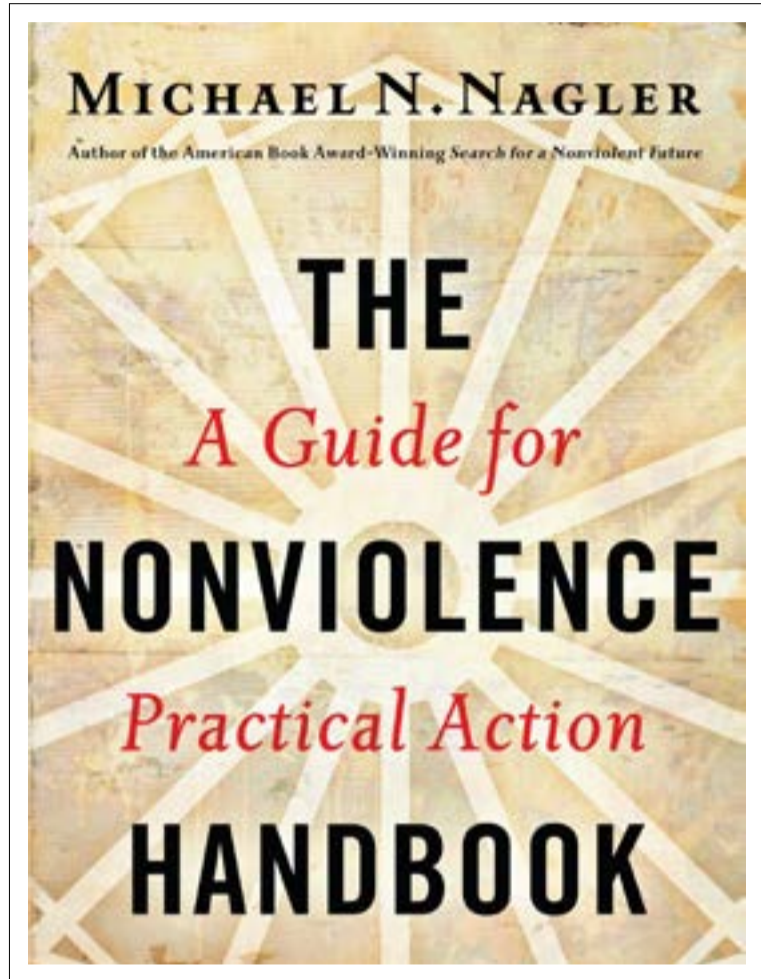
منازعات وقتی افزایش می‌یابد که حل نشوند و اگر نسبت به منازعات بی‌توجهی شود، آن‌ها ممکن است به سرعت از کنترل خارج شود. از نقطه نظر مقاومت عاری از خشونت، شدت یک منازعه ضرورتاً با تعداد تفنگ و این که چه تعداد از مردم درگیر آن است، سنجیده نمی‌شود (عین مقیاس که در منازعه میان عشاق کار می‌دهد در مورد منازعه میان دولت‌ها نیز کار می‌دهد). حل منازعه در آغاز مربوط می‌شود به این که چه اندازه انسانیت‌زدایی از جانب مقابل پیش رفته باشد. اگر کسی دیگر به شما گوش فرا نمی‌دهد، دارد شما را با نام و وصف مجرمانه صدا می‌کند و یا دارد برچسب می‌زند، احتمالاً دیگر برای دادخواهی دیر شده باشد.

در چارچوب این که دانستن این که چگونه واکنش نشان داد، ما می‌توانیم به منظور تنظیم واکنش‌های متفاوت، به صورت واضح افزایش خشونت را در یک نمودار سه مرحله‌ای نشان بدهیم. اجازه دهید که این سه مرحله را حل منازعه، ساتیاگراها (مقاومت مبتنی بر عدم خشونت فعال) و فداکاری نهایی - اما این مرحله اخیر در عین امید به وجود آن اما به ندرت رخ می‌دهد، اما همین موارد اندک کمک می‌کند که بدانیم این مرحله یعنی فداکاری وجود دارد - می‌نامیم.

مرحله اول: حل منازعه. بسیار خوب است که در هر منازعه از همان آغاز، وقتی که هنوز انسانیت‌زدایی جدی در فضای آن وجود نداشته باشد، توجه و واکنش مناسب صورت گیرد. در این مرحله است که اختلافات با به کار بردن ابزارهای حل منازعه و با استفاده از ارتباطات مبتنی بر مقاومت فعال عاری خشونت می‌توانند حل شوند. اگر شما یک شکایت ثبت



سه مرحله‌ای افزایش خشونت



خویش باقی ماند (او با خودش دعای ربانی را برای یک ساعت زمزمه می‌کرد). می‌کوشید، باوجود نفرتی که در مرد بود به چشمانش نگاه کند. او خودش شنید که دارد می‌گوید «برادر مطابق احساس خود عمل کن، من دارم می‌روم و می‌کوشم که تو را علی‌رغم همه چیز، دوست داشته باشم.» بعد از مدت طولانی، از شدت فشار کرد بر سینه، اندک‌اندک کاسته شد. آن‌گاه آن مرد به صورت نرم و آهسته دست خود را کشید و از سالن غذاخوری خارج شد. برخی از ناظران متوجه شده بودند که به او گریه دست داده بود.

به خاطر بیاورید، میلیون‌ها سرباز به جنگ می‌روند و کاملاً آماده‌اند که جان‌شان را به خطر بیندازند، غالباً برای اهداف مشکوک. آیا ما نباید آماده باشیم که مانند این سربازان جان خود را به خطر بیندازیم؟ شجاعت ما قدرت تغییر آوری به مراتب بزرگتر از نیروی مسلح به وجود می‌آورد. این قدرت از شخص غیرمسلح ناشی می‌شود که خطر ضرر را به جان می‌خرد، اما ضرر را بر کسی دیگر تحمیل نمی‌کند. گاهی به این، «قدرت اصالت/واقعی بودن» گفته می‌شود. همان‌طور که خاطر نشان شد، در تطبیق اصل عدم خشونت فعال، نسبت به منازعه مسلحانه، تعدادی بسیار کم کشته می‌شوند. هر چند چنین است اما ما از این که در منازعات جدی افراد زیاد جان خود را از دست می‌دهند، جلوگیری نمی‌توانیم - این واقعیت می‌تواند دلیلی خوب باشد بر این که در مراحل اولیه منازعه تا جایی که امکان دارد، اصل عدم خشونت به کار برده شود.

ادامه دارد...

رنج کمتری خواهیم شد. لیکن ما همیشه از این گزینه‌های متنوع برخوردار نمی‌باشیم. خشونت در رسانه‌ها (دست‌کم در کشورهای صنعتی) بسیار زیاد است و به همان نسبت درک ما از استعداد انسان بسیار پایین است، لذا منازعه به سرعت از کنترل ما خارج می‌شود. در این صورت ما نمی‌توانیم مواردی را نادیده بگیریم که حل آن نیازمند شجاعانه‌ترین پاسخ‌ها است. وقتی که هیچ چیز دیگر کار ندهد، وقتی که مخالف آن چنان دچار بیگانگی شود که حتا اگر ساتیاگراها با مهارت و دقت به کار گرفته شود، بازهم وجدان وی را (حداقل که قابل توجه باشد) نمی‌تواند بیدار کند. مع‌هذا شر قابل مسامحه و چشم‌پوشی نباشد، به کاربرندگان ساتیاگراها (فعالان خشونت‌پرهیز) غالباً آماده‌اند که فداکاری نهایی را به عمل آورند. در انجام این عمل آنان در می‌یابند که قدرت نهایی در نیروی روح قرار دارد و در بیشتر اوقات - هر چند نه همیشه - آن‌ها زندگی می‌کنند تا این داستان را حکایت کنند. به خاطر بیاورید، دوستم دیوید هارتسواو، فعال صلح مشهور، وقتی که پانزده‌ساله بود به‌عنوان یک شخص سفید، در یک رستوران در ویرجینیا برای شکستادن تبعیض نژادی نشست. بعد از یک روز و نیم نشستن بدون غذا، او ناگهان از صندلی خود کشیده شد و توسط یک مرد خشمگین سفید تهدید شد. آن مرد کارد کلان خویش را روی سینه او گذاشت، در حالی که دندان‌هایش را به هم می‌فشرد، فریادکنان گفت «خوب، ان... هرزه، یک دقیقه وقت داری که ترک کنی پیش از این که این را در قلبت فرو کنیم.» دیوید خونسرد سر جای



فروشگاه F45
 افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.F45.af/info